

منتصر السلطان - راجع به آن تلگراف

تاوی است .

نایب رئیس - آنکه در مجلس خوانده

نشده است .

منتصر السلطان - پس در موفیکه آن

تلگراف خوانده شد بنده عرضی دارم و اجازه می‌خواهم که فهرستی از کارهای مجلس که در این دوره شده است عرض کنم .

ارباب کیخسرو - بنده متمم فرمایش آقای

منتصر السلطان را می‌خواهم عرض کنم و کاری به تلگراف آذربایجان ندارم از دور نزدیک می‌شنویم که میگویند در ایندوره قانونی از مجلس نگذشته اگرچه متأسفانه بعضی قوانینی که گذشته است آنطوریکه باید بموقع اجرا بیاید نیامده است ولی ما به تکلیف خودمان باید عمل کنیم یکی از قوانینی که امروز هم در راپورت کمیسیون قوانین مالیه که خوانده شد اشاره بآن شده بود که از مجلس گذشته است قانون محاسبات عمومی است که مدتی وقت مجلس صرف آن شده برای یک ماده که بکمیسیون تفسیر رفته است همین طور مانده است چند جلسه قبل آقای موذن الملک فرمودند که تمام شده است و لازم نیست که بکنفر دیگر کسر آن کمیسیون انتخاب شود آن راپورت تمام شده است یک جلسه دیگر لازم است که راپورت خوانده شود و بمجلس خواهد آمد متأسفانه حالا چند جلسه است که میگذرد هیچ اثری از آن راپورت بظهور نرسیده است .

واقماً از بسکه ما در اینجا اظهار کرده ایم دیگر خجالت میکشم که در اینجا در آن خصوص مذاکره کنیم نمی‌دانم دیگر چه حال باعضای کمیسیون رخ میدهد که این بیانات را می‌شنوند بنده مخصوصاً تقاضا میکنم از اعضای آن کمیسیون که بیش از این غفلت نکنند و راپورت شان را بدهند و دیگر ما را منتظر نگذارند .

معاضد الملک - بموجب نظام نامه داخلی هر

لایحه یا طرحی که رجوع شد بیک کمیسیون و پیش از یک ماه بتأخیر امتداد خود مجلس یا یک نفر نماینده حق دارد تقاضا کند که عین آن در مجلس حل شود حالا بنده بموجب این ماده نظام نامه تقاضا میکنم که در مجلس مطرح شده حل شود .

(اغلب این تقاضا را تصدیق نکردند)

افتخار الواعظین - بنده فقط می‌خواهم

ناظر نمایندگان را مستحضر کنم که دو نفر از کمیسیون داخله استعفا داده اند وعده کسر شده است باین جهت بدبختانه کمیسیون نتوانست امروز منعقد شود برای اینکه اعضای حاضر کمیسیون داخله شش نفر است اقلش باید چهار نفر حاضر شوند تا کمیسیون بتواند شروع در مذاکره نماید و امروز سه نفر از اعضاء حاضر نشده بودند و کمیسیون نتوانست منعقد شود و بنده مخصوصاً از آقای رئیس تقاضای می‌کنم که انتخاب کسر کمیسیون داخله عوض اعضاء مستعفی راجع دستور جلسه آتی بگذارند .

نایب رئیس - کسر کمیسیونها در جلسه

آتی باید انتخاب شود چون از اعضای کمیسیون قوانین مالیه هم بعضی استعفا داده اند - دستور جلسه آتی بقیه شور قانون دیوان محاسبات - راپورت کمیسیون نظام راجع طرح وزارت جنگ در خصوص قشون ایلپاتی - انتخاب کسر کمیسیونها - بقیه کتیرات مسبو مولیتر - و اگر مجال بشود راپورت کمیسیون داخله راجع به تجزیه بلوچستان از کرمان

ادیب التجار - تمام خرابی مملکت را همه

میدانید از عدلیه است و آقایان هم اذهانسان مسبوق است و این خرابی عدلیه با اندازه است که تمام مردم را بصدا در آورده آقایان نمایندگان هم میدانند که تا عدلیه را تصفیه نکنند و تا قوانینی بدست آنها ندهند تصفیه نخواهد شد چنانچه خودتان به تجربه دانسته اید که تا قوانین تشکیلات عدلیه که چند ماه است آقای مشیرالدوله زحمت ها کشیده اند و در گوشه کمیسیون مانده است گمان می‌کنم آقای حاجی شیخ الرئیس و سایر اعضای کمیسیون عدلیه هم موافقت دارند که در جلسه آتی جزء دستور گذاشته شود .

ارباب کیخسرو - هنوز طبع و توزیع

نشده است .

ادیب التجار - من خیلی اصرار دارم که

او هر چه زودتر جزء دستور گذاشته شود و مسامحه در این خصوص شود و اگر طبع و توزیع هم نشده است هر چه زودتر طبع و توزیع شده جزء دستور گذاشته شود .

نایب رئیس - قانون تشکیلات عدلیه بر گشت

بکمیسیون عدلیه و هنوز راپورت کمیسیون عدلیه بر نگذشته باید بکمیسیون تأکید شود که بر گردانند

ادیب التجار - این يك عرض بنده بود يك

عرض دیگر بنده بنسبتکه آن چند ماده که در خصوص منع احتکار نوشته شده است خواهش میکنم استدعا میکنم از مقام ریاست که اقدامی بفرمایند که در این دوره تقنینیه این مواد از مجلس بگذرد چون تجربه کرده ام در این پانزده ماه گذشته است و کمیسیون داخله هم مدتی است زحمت کشیده و حاضر کرده دیگر در باب لوایح نجف اشرف خیلی داد کشیدیم استدعا کردیم هی بدفع الوقت گذرانیدند هی فرمودند همیشه آن جلسه استدعا دارم آنرا هم در جلسه آتی گفتگو فرمائید که اگر بناست از طرف مجلس کسی معین شود بشود اگر بناست یا مأمور دوامتی برود بیش از این تعویق نیفتد .

نایب رئیس - در هر دو مطلب که فرمودید

مانعی ندارد و از اینکه جزء دستور جلسات آتی گذاشته شود .

سلیمان میرزا - لازم است که عرض کنم

که قانون تشکیلات عدلیه بهیچوجه در کنج کمیسیون عدلیه نمانده است وعلاوه بر اینکه هفته سه روز باید کمیسیون عدلیه تشکیل شود هفته شش روز تشکیل می‌شود و علاوه بر این که اعضاء کمیسیون شخصاً معول هستند علمای مجلس هم از اعضاء خسته و غیره را هم زحمت داده ایم که آنها هم ملاحظاتی خودشان را بفرمایند و این قانون تشکیلات مطرح است و اینکه قدری تأخیر شده است در آمدن بمجلس بجهت

اینکه می‌خواهند کمیسیون که اینقانون تقریباً با اتفاق تصویب شود که وقتی که بمجلس می‌آید بعضی مذاکرات نشود و باز بر گردد ولی هنوز تمام نشده است همانطور که آقای ادیب التجار اظهار اهمیت قوانین عدلیه را کردند نسبت بسایر قوانین این واضح است حالا اگر شما می‌خواهید اظهار حس نسبت بعدلیه بفرمائید خوب است قانون اسناد را مقدم بدانند که شور اول آنهم گذشته است شور دوم آن مانده است شور دویشم بشود آن را جزء دستور بگذارند که آنهم راجع بعدلیه است که تشکیلات عدلیه هم که گذشت و عدلیه مطابق آن تشکیل شد حال اسناد معلوم باشد که کدام معتبر است کدام غیر معتبر است برای اینکه اساس رسیدگی عدلیه بر اسناد است و او در هر حال مقدم است پس خوب است آن را جزء دستور بگذارند و بنده مخصوصاً تقاضا میکنم که او جزء دستور گذاشته شود .

نایب رئیس - قانون ثبت اسناد آروز جزء

دستور بود چون رسم است آنچه جزء دستور است دیگر تجدید نمی‌کنیم والا جزء دستور بود .

حاج شیخ الرئیس - چون جناب ممتاز -

الدوله از اعضاء کمیسیون عدلیه بوده اند و حالا که بمقام ریاست نائل شده اند البته مهمات ریاست ایشان رامانع از حضور در کمیسیون خواهد شد یعنی بنظر بنده حال اگر حاضر میشوند که البته افتخار داریم والا در جلسه آتی عوض ایشان انتخاب بشود .

نایب رئیس - باید از خود ایشان سؤال

شود .

(در این موقع که یکساعت از شب گذشته است

نایب رئیس حرکت کرد و مجلس ختم شد)

جلسه ۲۰۹

صورت مشروح روز شنبه ۱۱ شهر صفر

۱۳۲۹

مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب آفتاب بریاست آقای ممتازالدوله تشکیل شد . صورت مجلس روز پنجشنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود .

(غائبین روز پنجشنبه)

دهخدا - سپهبد اعظم - سردار احمد - بدون اجازه .

حاج آقا - آقا شیخعلی با اجازه اسان الحکماء مریض بودند .

رئیس - هیئتی که از طرف مجلس بقره معین شده بودند که بحضور آقای نایب السلطنه شرفیاب شوند دیروز شرفیابی حاصل کردند و مراتب تبریکات نمایندگان را بمرض رسانیدند خاطر مبارکشان از این مسئله خیلی خوشوقت شده و خیلی ممنون شدند و مخصوصاً فرمودند که مراتب امتنان قلبی ایشان را بمرض نمایندگان برسانیم .

شروع بشود در قانون دیوان محاسبات شد . ماده (۱۰۹) لایحه وزیر - پنجروز قبل از شروع بتجدید نظر مدعی العموم باید اسناد پرا که برای اثبات مطالب خود دارد بدفتر دیوان محاسبات بدهد تا صورتی از آن اسناد برای طرف مقابل فرستاده

شده و مستحضر شود [کمیسیون این طور پیشنهاد کرده بود] .

ماده ۱۱۶ - پنج روز قبل از شروع رسیدگی اعتراض مدعی العموم باید اسنادی را که برای اثبات مطالب خود دارد بدفتر دیوان محاسبات بدهد تا صورتی از آن اسناد بجهت طرف مقابل فرستاده شده و مستحضر بشود .

فهییم المملک - لفظ (مدعی العموم) در اول ماده بگذارند شاید بهتر باشد برای این که این طور اسباب اشتباه می شود اینطور نوشته شود - مدعی العموم پنج روز قبل از شروع رسیدگی اعتراضی باید اسنادی را که برای اثبات مطالب خود دارد تا آخر ماده .

رئیس - دیگر ملاحظاتی در این ماده نیست ؟ (اظهاری نشد) پس رأی می گیریم کسانی که ماده ۱۱۶ را بطوری که کمیسیون پیشنهاد کرده است تصویب می نمایند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد)

ماده (۱۱۰) لایحه وزیر - بعد از این اقدامات در روزیکه معین شده محکمه منعقد و شروع بمجا که می نماید و مستشاریکه سابقاً برای مجا که ابتدائی این حساب معین شده بود راپورت آن حساب را اظهار و صاحب جمع یا وکیلش ملاحظات و توضیحات خود را ابراز و مدعی العموم رأی قطعی خود را بیان می نماید [کمیسیون این طور پیش نهاد کرده بود] .

ماده ۱۱۷ - بعد از این اقدامات در روزی که معین شده محکمه منعقد و شروع بمجا که می نماید و مستشاری که اخیراً برای مخبری معین شده بود راپورت آن حساب را اظهار و صاحب جمع یا وکیلش ملاحظات و توضیحات خود را داده و مدعی العموم رأی قطعی خود را بیان می نماید

رئیس - در این هم مخالفی که نیست ؟ [اظهاری نشد] رأی می گیریم کسانی که این ماده را بطوریکه کمیسیون پیشنهاد کرده است تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد)

ماده ۱۱۱ - لایحه وزیر - همین که مذاکرات و مباحثات ختم شد محکمه در آن جلسه یا جلسه دیگر حکم وقراری را که باید بدهد خواهد داد و صورتی از آن به مدعی العموم داده می شود تا بصاحب جمع برساند و هر صاحب جمع هم می تواند سواد حکم یا قرارداد را از دفتر دیوان محاسبات بخواهد (کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود)

ماده ۱۱۸ - «همین که مذاکرات و مباحثات ختم شد محکمه در همان جلسه یا جلسه دیگر حکم صادر خواهد کرد و صورتی از آن به مدعی العموم داده خواهد شد تا بتوسط اداره متبوعه صاحب جمع باو ابلاغ نماید و صاحب جمع نیز می تواند سواد حکم مزبور را از دفتر بخواهد »

رئیس - مخالفتی که در این ماده نیست ؟ (گفتند - خیر) پس رأی می گیریم کسانی که این ماده

را بطوریکه کمیسیون پیشنهاد کرده اند تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد)
ماده ۱۱۲ - لایحه وزیر - مضمون حکمی که از طرف محکمه صادر می شود ممیز حساب در ذیل صورت حساب می نویسد رئیس و سایر اعضاء محکمه ذیل آن را امضاء می کند و منشی باشی یا معاون او سوادی از آن حکم نوشته با امضای رئیس دیوان محاسبات رسانده بتوسط مدعی العموم برای وزارت خانه متبوعه صاحب جمع ارسال خواهد داشت (که کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود)
ماده ۱۱۹ - مضمون حکم بتوسط دفتر دار کل در ذیل صورت حساب قید خواهد شد .

حاج سید ابراهیم - در ماده (۱۰۵) این مورد نوشته شده بود که - پس از آنکه حکم صادر واصل آن امضاء شد دفتر دار کل مضمون آن را در صورت حساب قید خواهد کرد و این همان ماده است بلکه يك علاوه در آنجا بود که دفتر دار کل مضمون آن را در صورت حساب قید میکند و در اینجا نوشته شده است که [بتوسط دفتر دار کل در ذیل صورت حساب قید خواهد شد] در صورتیکه بتوسط دفتر دار کل معنی ندارد گویا این همان ماده است باین جهت تصور میکنم که چندان لازم نیست و همان ماده [۱۰۵] کافی است .

فهییم المملک - این مواد کلیه شرح مواد سابق است و چنانچه سابقاً عرض کردم در لایحه وزیر ترتیباً مختلفه ممالک را تطبیق نکرده بودند مثلاً مجا که تجدید نظر و مجا که ابتدائی را از پیشنهاد وزیر مخلوط کردند و هیچ ممکن نبود که از هم دیگر آنها را امتیاز داد در کمیسیون کاری که کردند این است که ملاحظه میفرمایند که این ترتیبات را از هم تفکیک کردند و بعضی مواد را هم اضافه کرده اند و در واقع این همان مواد مخلوط است که از هم تجزیه شده است علاوه بر این آنچه در سابق نوشته شده بود راجع بمجا که ابتدائی بود و این که حالا اینجا گفته میشود حکمی است که در صورت اعتراض صادر میشود .

حاج آقا - جواب جزا اول اعتراض آقای حاج سید ابراهیم را آقای مخبر فرمودند و همان طور است که بیان کردند ولی این عبارت دویم را که بتوسط دفتر دار کل مضمون حکم را در ذیل صورت حساب قید خواهد کرد در کمیسیون هم اینطور اصلاح شد دیگر نمی دانم چطور شده است که اینطور در راپورت نوشته شده است .

فهییم المملک - همان عبارتی که در کمیسیون تصویب شد و متصود این است که دفتر دار کل مواظب اینکار باشد حالا دیگر حکم نیست که خود دفتر دار این را بنویسد باید این مطلب نوشته شود حالا یا خود او مینویسد یا بتوسط او نوشته میشود . (ماده مزبور با اصلاح ذیل فرائض شد)
دفتر دار کل مضمون حکم را در ذیل صورت حساب قید خواهد نمود .

رئیس - دیگر مخالفی در این ماده هست (اظهاری نشد) - رأی می گیریم کسانی که با این ماده با این اصلاح موافقت دارند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد) .

(مواد ذیل را کمیسیون بر قانون دیوان محاسبات پیشنهادی وزیر اضافه کرده بود) .
ماده ۱۲۰ - در مواقعی که صاحب جمع در موافقت مقرر حساب خود را بدیوان محاسبات تسلیم نکند و موافق ماده (۶۱) باید خود دیوان محاسبات اقدام نماید از این قرار رفتار خواهد شد مدعی العموم مراتب را کتباً بدیوان محاسبات اظهار میکند و حکمی از طرف دیوان مزبوره متضمن بهیئت مذکور در ماده [۶۱] باشد صادر می شود حکم مزبور بتوسط مدعی العموم باداره متبوعه صاحب جمع داده خواهد شد که باو ابلاغ کند .

حاج سید ابراهیم - ماده (۶۱) که در خصوص مجازات بود بکمیسیون برگشت و گمان میکنم که این مواد را هم نمی شود در آنها مذاکره کرد بجهت اینکه مربوط بآن ماده است و متفرغ بآن ماده می شود .

فهییم المملک - این هیچ دلیل نمی شود که نباید در این مواد مذاکره کرد برای اینکه بالاخره يك مجازاتی در آن خصوص معین خواهد کرد هر قسم که در آنجا معین کردند این هم مطابق آنها خواهد بود والا همچو نیست که بکلی بی مجازات بماند .

رئیس - رأی میگیریم در این ماده کسانی که موافقت در این ماده با پیشنهاد کمیسیون قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد)
ماده ۱۲۱ - (اگر صاحب جمع یا وکیلش از برای مدت حاضر شد مطابق ماده (۸۸) و بعدها رفتار می شود در صورتیکه در رأس وعده حاضر نشود رئیس محکمه بدخواست مدعی العموم می تواند روز مجا که را معین و بکنفر از مستشاران را بسمت مخبری برقرار کند) .

رئیس - مخالفی در این باب نیست ؟ (گفتند خیر) - رأی می گیریم بر ماده (۱۲۱) بطوریکه خوانده شد کسانی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد) .

ماده ۱۲۲ - (در روز معین دیوان محاسبات موافق ماده [۶۲] صاحب جمع را بیک جزای نقدی محکوم ساخته و حکم میکند که مدعی العموم حساب صاحب جمع را بوسائل مقتضیه ترتیب داده تسلیم نماید تا در محکمه رسیدگی شود . این حکم باداره متبوعه صاحب جمع داده می شود که باو ابلاغ کنند برای حکم دیوان محاسبات موافق ترتیبات مواد [۱۰۹] تا [۱۱۸] میتوان اعتراض کرد .

حاجی سید ابراهیم - این عبارت آخر که موافق ترتیبات مواد [۱۰۹] تا [۱۱۸] که توضیحی لازم دارد که مشتبه نشود دیگر اینکه دیوان محاسبات رسیدگی کرد اگر صاحب جمع باقی دارد حکم میکند از او بگیرند اگر فاضل دارد که میگوید باو بدهند والا که نه باقی دارد و نه فاضل که تقاضا میدهد و دیگر این ها چیزی نیست که صاحب جمع بآن اعتراض نماید این را خوب است مخبر توضیح بدهد .

فهییم المملک - این ماده راجع میکند بمواد قبل و اگر در آنها ملاحظه فرمائید رفع اشکال میشود **رئیس** - مخالفی دیگر در این خصوص هست (اظهاری نشد) - رأی میگیریم کسانی که با ماده

۱۲۲ موافقت دارند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد)

ماده ۱۲۳ - استعای تجدید نظر باید در ظرف مدت مذکور در ماده (۷۲) بعمل آمده و تمام اسنادیکه راجع بصحت تقاضا است منضم بعرض حال شود و این عرض حال با اسناد مزبور باید بطرف ابلاغ و پس از آن دیوان محاسبات در باب قبول استعای تجدید نظر شور کرده و بعد بترتیب معمول حکم صادر میکنند.

حاج آقا بنده باضمون این ماده مخالف نیستم ولی بنده در کمیسیون این قید را در اینجا بکنند که صورت در باب قبول و عدم قبول اعتراض در اطاق مخصوص و در اطاق مشاوره باشد و در اینجا نوشته نشده است.

فهییم المملک - در کمیسیون همین مذاکره شد بالاخره گفتند که این ترتیب را باید خودشان بدهند که در اطاق مشاوره یا اطاق مخصوص این مشورت بعمل بیاید و این چیزی نیست که در قانون نوشته شود.

رئیس - حال رأی میگیریم کسانی که با ماده (۱۲۳) موافقت دارند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد)

ماده ۱۲۴ - در صورت قبول تجدید نظر حکمیکه صادر میشود مستند بدلیلی نخواهد بود حکم مزبور با مضاعف دفتر دار کل رسیده بشخصیکه استعای تجدید نظر کرده باز کیش ابلاغ میشود و تاریخ در کتابچه ثبت و در ظرف سی روز از این تاریخ مواد دیگری بظرف شخص مستعای ابلاغ و پس از آن موافق ترتیباتیکه در باب محاکمه ابتدائی گفته شده عمل میشود.

حاج عز الممالک - يك لفظی را در کمیسیون گفته ام در اینجا هم تکرار عرض میکنم که گفت استعای به (تقاضا) تبدیل شود.

آقا شیخ ابراهیم - این عبارت که حکمیکه صادر میشود مستند بدلیلی نخواهد بود خوب نیست حکم همیشه مستند بدلیلی خواهد بود در حکم ذکر دلیل نمیشود پس خوب است اینطور نوشته شود در حکمی که صادر میشود ذکر دلیل نخواهد شد.

فهییم المملک - ضرر ندارد که همین طوریکه فرمودند نوشته شود - در حکمیکه صادر میشود ذکر دلیل نخواهد شد.

وکیل التجار - بنده عرض میکنم که اینجا لابد تجدید نظر بنا تجدید ملاحظه يك علی پیدا میکند و در آن حکم هم آن جهت و آن علت را باید بنویسند چطور میشود که حکم بدهند ولی دلیل را ذکر نکنند بنده عقیده ام این است که باید در حکمی که صادر میشود ذکر دلیل بشود.

فهییم المملک - شرایط تجدید نظر را البته در موارد قبل ملاحظه فرموده اید که در چند مورد مخصوص تقاضای تجدید نظر قبول میشود و همین قدر که اسناد خودش را فرستاد و محکمه ملاحظه کرد و دید که محتاج بتجدید نظر است میگوید باید تجدید نظر بشود دیگر این محتاج بذكر دلیل نیست خود آن اسناد دلیل ازوم تجدید نظر است یعنی بطوریکه عرض کردم دیوان محاسبات پس از ملاحظه اسناد اگر تجدید نظر لازم دید حکم تجدید نظر میکنند اگر آن اسناد اصحیح نداشت و لازم نبود تجدید نظر بشود آن تقاضا را رد میکنند ولی در صورتیکه تقاضای تجدید نظر قبول

شد تمام آن اسناد رجوع میشود بان محکمه و در این صورت دیگر لازم بذکر دلیل نخواهد بود (ماده با اصلاح ذیل خوانده شد) (صورت قبول تجدید نظر در حکمی که صادر میشود ذکر دلیل نخواهد شد - حکم مزبور با مضای دفتر دار کل رسیده بشخصی که تقاضای تجدید نظر کرده یا بوکیش ابلاغ میشود و تاریخ ابلاغ در کتابچه ثبت و در ظرف سی روز از این تاریخ مواد دیگری بطرف شخص مستعای ابلاغ و پس از آن موافق ترتیباتی که در باب محاکمه ابتدائی گفته شده عمل میشود.

رئیس - دیگر ملاحظاتی در این ماده هست ؟ (اظهاری نشد) پس رأی میگیریم کسانی که با ماده (۱۲۴) موافقت دارند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد)

ماده ۱۲۵ - حکم قبول تجدید نظر باعث توقیف اجرای حکم اولی نیست ولی هر گاه توقیف حکم تقاضا شود دیوان محاسبات میتواند حکم را توقیف و برای این اسرار اگر لازم داند حکم بداند وجه الضمانه نماید.

رئیس - مخالفی کدر این ماده نیست ؟ (گفتند خیر) رأی میگیریم کسانی که با ماده ۱۲۵ را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد)

ماده (۱۲۶) - (در صورتیکه تجدید نظر قبول نشود حکمی که صادر میشود باید مستند بدلیلی بوده بشخصی که تقاضای تجدید نظر کرده است ابلاغ و اسناد مذکور در ماده (۱۲۲) را که تعویب دفتر کرده بود مسترد شود.)

رئیس - در این ماده مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) (ثانیاً ماده مزبور با تبدیل جمله حکمی که صادر میشود باید ذکر دلیل شده و تبدیل جمله مسترد شود - بجمه مسترد نمایند. قرائت شد)

رئیس - رأی میگیریم کسانی که با ماده (۱۲۶) موافقت دارند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد)

[فصل چهارم در مجامع که پس از اباطال حکم]

ماده ۱۲۷ - پس از آنکه موافق ماده [۷۱] حکم دیوان محاسبات نقض شد در جلسه عمومی رسیدگی و مجامع شده موافق ترتیباتی که در باب احکام ابتدائی گفته شد حکم قطعی صادر گردید ولی اعضائی که در صورت حکم نقض شده شرکت داشته اند بیایند در مجامع ثانوی دخالت نمایند.

حاج سید ابراهیم - چون این مسئله حکم اخیر در مجلس عمومی میشود لابد اعضاء تمام مجامع در آنجا حاضر خواهند بود نهایت در رأی دادن شرکت نخواهند داشت از این جهت بنده تصور میکنم که عبارت آخری اینطور اصلاح شود که نباید در مجامع ثانوی دخالت در رأی نمایند.

فهییم المملک - اینکه گفته میشود که در مجامع ثانوی نباید دخالت داشته باشند مراد اینست که آن هیئت محکمه که این محاکمه را ابتداء کرده اند اصلاً در مجامع عمومی حاضر نخواهند بود که مداخله در مجامع داشته باشند ولی اگر قبلاً بکمستشاری بسمت مخبری در آنجا باشد البته حق نطق و اظهار عقیده را دارد.

رئیس - دیگر ملاحظاتی در این ماده هست (اظهاری نشد) رأی میگیریم کسانی که موافقت دارند با ماده (۱۲۷) قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و اکثریت تصویب شد)

ماده ۱۲۸ - احکام صادره که بموجب ماده قبل تغییر ناپذیر خواهد بود.

رئیس - مخالفی که در این ماده نیست ؟ (گفتند خیر) رأی میگیریم - کسانی که با این ماده (۱۲۸) موافقت دارند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و به اکثریت تصویب شد)

رئیس - بقیه این شور می ماند برای جلسه دیگر حالا چون آقای وزیر جنگ تشریف آورده اند برای شور در لایحه که پیشنهاد کرده اند و قرار بود که امروز مطرح مذاکره بود شروع میکنیم بمذاکره در آن خصوص (در اورت کمیسیون نظام بعبارت ذیل قرائت شد)

کمیسیون نظام روز دوشنبه ۲۸ محرم ۱۳۲۹ دو ساعت بظهر مانده در تحت ریاست آقای دکتر امیرخان با حضور آقای وزیر جنگ منعقد گردیده در باب لایحه قانونی جلب سوار از ایلات که از طرف وزارت جنگ پیشنهاد شده بود مذاکرات لازمه بعمل آمده کمیسیون نظام در مواد مزبور با اکثریت رأی داده و عین همان لایحه را با راپورت تقدیم مجلس می دارد.

[پیشنهاد کمیسیون]

ماده (۱) در کلیه ایلاتیکه سرباززده نمی باشند دولت بموجب این قانون سوار میگیرد

ماده (۲) میزان گرفتن سوار از هر سی خانوار يك خانوار يك سوار است.

ماده (۳) - مدت خدمت در زیر اسلحه سه سال است.

ماده (۴) مدت خدمت در صنف احتیاط (مدت انتظار رجوع خدمت) سه سال است و در ظرف این سه سال دولت سالی يك مرتبه در مراکز محلی سوار مدتی که بیش از يك ماه نباشد سوارها را برای شت و سان حاضر می نماید.

ماده (۵) حقوق مدت خدمت در زیر اسلحه مطابق بودجه مصوبه بمجلس پرداخت میشود.

ماده (۶) خرج اسب و حقوق مدت خدمت سوار در صنف احتیاط در سال مطابق بودجه مصوبه است.

ماده (۷) تهیه اسب سوار در موقع احضار بخمدت بعهد همان سی خانوار است که آن سوار را میدهد.

ماده (۸) در مدت خدمت سوار در صنف کفالت مغارج ضروری اهل خانه آن سوار مطابق فراداد وزارت جنگ برعهده همان سی خانواری است که سوار داده اند.

(لایحه وزارت جنگ شماره ۱۱۵۳۱)

وزارت جنگ در خصوص سوار از ایلات پس از مشاورات و مذاکرات در مجلس شورای نظامی با حضور بعضی از رؤسای ایلات به مجلس مقدس شورای ملی شهادت اذکانه اینطور پیشنهاد میکنند لزوم سوار از کلیه ایلات ایران که سرباز بده نیستند.

تعیین ترتیب گرفتن سوار از هر سی خانوار يك سوار.

خدمت در زیر اسلحه سه سال.

مدت احتیاط و انتظار رجوع خدمت سه سال.

حقوق مدت خدمت بر طبق بودجه سال تکوین ذیل که وزارت جنگ پیشنهاد کرده است حقوق مدت احتیاط در ظرف هفت تومن و پنج هزار دینار با مخارج اسب در وقت حرکت دادن سوار باید آن سی خانوار اسب صحیح برای سوار مک نمایند مدت بودن آن سوار در خانه اس آن سی خانوار باید اندازه کفالت خانواده شخصی او را موافق قرار دایکه رؤسای ایلات با وزارت جنگ خواهند داد.

حقوق مدت خدمت بر طبق بودجه سال تکوین ذیل که وزارت جنگ پیشنهاد کرده است حقوق مدت احتیاط در سال هر نفری هفت تومن و پنج هزار دینار با مخارج اسب در وقت حرکت دادن سوار باید آن سی خانوار اسب صحیح برای سوار مک نمایند مدت بودن آن سوار در خانه اس آن سی خانوار باید اندازه کفالت خانواده شخصی او را موافق قرار دایکه رؤسای ایلات با وزارت جنگ خواهند داد.

رئیس - حالا مباحثه در کلیات این لایحه است.

حاج شیخعلی - چون در شور کلی است بعضی اشتباهات برای بنده دست داده است که لازم شد عرض کنم در اینکه ما يك قانونی اضافه بر آنچه حالیه داریم لازم داریم و بهترین مواضعی را هم که ما میتوانیم از آن استفاده بکنیم و قشون اخذ نماییم همین ایلات است حرفی نیست اما در مقدمه این لایحه هیچ مرقوم نشده است که آیا این سوارهایی را که میخواهند از ایلات مستخدم بکنند علاوه بر آن سوارهایی که پیش از این ایلات میدادند خواهند بود یا اینکه غیر از آنها خواهند بود دوم اینکه این ده هزار سوار ایلات که هر سال یکدفعه موقع خدمت آنها است يك مخارج فوق العاده دارد و این لایحه را که وزارت جنگ پیشنهاد کرده است کلی بودجه خرج لازم دارد آیا این علاوه خواهد شد از بودجه که فعلاً در قشون داریم یا اینکه جزء همان بودجه خواهد بود این را در کلیات بفرمائید تا بعد در مواد هم بنده عرایض خودم را عرض بکنم.

سلیمان میرزا - همان طوریکه آقای آقا شیخعلی فرمود بنده بشکل اخطار نظامنامه عرض میکنم که این لایحه نیایستی حالا بمجلس بیاید برای اینکه این لایحه تقاضای خرج مینماید و مطابق ماده ۱۹ و ماده ۲۰ نظامنامه داخلی باید کمیسیون نظامنامه این را فرستاده باشد بکمیسیون بودجه که رأی کمیسیون بودجه هم در این خصوص معلوم میشود و آنوقت این اشکالی را که آقای آقا شیخعلی کردند رفع میشد بنابراین گویا هیچ نمیتوانیم حالا داخل مذاکره در این لایحه بشویم بلکه این لایحه هم مثل سایر لوایحی که آمده است و زمان قرائت در مجلس مطرح مذاکره شدن با رأی کمیسیون بودجه توام بوده است مطابق نظامنامه داخلی باید آورد بکمیسیون بودجه که رأی آن کمیسیون هم در این خصوص معلوم شود و بنده مخبر کمیسیون بودجه هستم از طرف آن کمیسیون این تقاضا را میکنم که این لایحه را رجوع کنند بکمیسیون بودجه.

حاج سید ابراهیم در این جا ذکر نشده است که این قانون را که میبویستند جزء امسال پنجهز یا شش هزار یا هزار سوار معین خواهد شد و مخارج آنها اضافه بر بودجه خواهد شد تا اینکه بگوئیم باید نظریات و عقیده کمیسیون بودجه هم در این خصوص معلوم شود این الان هیچ مربوط بعمل بودجه و کمیسیون بودجه نیست این قانونی

حاج سید ابراهیم در این جا ذکر نشده است که این قانون را که میبویستند جزء امسال پنجهز یا شش هزار یا هزار سوار معین خواهد شد و مخارج آنها اضافه بر بودجه خواهد شد تا اینکه بگوئیم باید نظریات و عقیده کمیسیون بودجه هم در این خصوص معلوم شود این الان هیچ مربوط بعمل بودجه و کمیسیون بودجه نیست این قانونی

است که از طرف وزارت جنگ پیشنهاد شده است که از ایلات سوار گرفته شود بعد از اینکه مجلس تصویب کرد که از هر سی خانوار یا از هر چهل خانوار ایلات یک نفر سوار گرفته شود آنوقت وزیر جنگ مخارج آنرا بر آورد میکند و میبرد بکمیسیون بودجه و کمیسیون بودجه ملاحظه میکند اگر دید ممکن است هر ده هزار سوار در سال آتی به گرفته شود که رأی میدهد و تصویب میکند و اگر دید که بآن اندازه ممکن نیست و محل ندارد آنقدری را که مقتضی و ممکن است تصویب میکند و گمان میکنم که فعلاً مذاکرات در این خصوص ابتدا محتاج بکمیسیون بودجه و رجوع بآنجا نیست برای اینکه این لایحه اساس نظام گیری را معین کرده و ممکن است ما این قانون را الان بگذاریم و وزیر جنگ با تقاضای وقت از اول حمل یا از اول سال دیگر شروع بعملیات آن بکنند پس بنده این اشکال را هیچ صحیح نمی دانم و عرض میکنم که این بهترین قانونی است که در این دوره مشروطیت بحساب حال مملکتی بمجلس آمده است و دوای بره الساعه مملکت همین قانون است و آن چیزی را که باید بتمام چیزها آن را مقدم بداریم همین امر نظام است که تا بحال بواسطه فراهم نبودن اسباب بترتیب آن موفق نشدیم و بنده شخصاً تشکر میکنم از آقای وزیر جنگ که در این مقام آمده است که قوه جنگی ما را از زوری يك اساسی که فعلاً هم ترازان نمی شود قرار داده مرتب نماید و پیشنهاد بمجلس کرده است و گمان می کنم که معنی شور کلی در این باب اگر این باشد که آیا باید از ایلات سوار گرفت یا خیر در این باب کسی مخالف نباشد ولی اگر موادی غیر از این موادیکه پیشنهاد شده است خواهد بود که ممکن است در آن باب مذاکره شود در هر حال بنده گمان می کنم که در کلیات این قانون کسی مخالف نیست و این بهترین قانونی است که در این دوره مشروطیت بمجلس آمده است و این قانون که تصویب شود و بگذرد نسبت بعبارتش و يك چند مدتی یعنی يك مسافت زیادی در نسبت بترتیبات امور جنگی مملکت طی کرده ایم تا چه رسد به روحش و بعد از آنی که مجلس این قانون را تصویب کرد که فعلاً از هر سی خانوار ایلات يك سوار گرفته شود آنوقت وزارت جنگ ملاحظه و بر آورد می کند که عده اش چقدر می شود و چند هزار خواهد شد و امسال چقدرش را لازم دارد و میبرد بکمیسیون بودجه که مخارج آن را ملاحظه کند و تصویب بکند ولی فعلاً گمان می کنم که ابتدا محتاج رجوع کردن بکمیسیون بودجه نیست.

محمد هاشم میرزا - در این که آقای حاج سید ابراهیم فرمودند البته در مقام تصورش هیچکس مخالفت نخواهد کرد و البته بهترین سوار همین سوار است که می خواهند از ایلات بگیرند برای اینکه ایلات ما بهترین شجاعا هستند و همیشه خدمت باین مملکت کرده اند و اظهار شجاعت نموده اند و با بدیم بعد خدمت بمملکت خودشان بکنند این مطلب خیلی صحیح است ولی وقتی که وارد عملیات شدیم با شکلات دچار می شویم بواسطه این که قبلاً ما باید معین بکنیم که ایلات چقدر هستند و چقدرش سرباز بده هستند و چقدرش سرباززده نیستند و

و آنها را می که تا بحال سوار می دادند بچه میزان می دادند و تا اندازه می دانیم که مختلف می دادند یعنی بعضی ها صد سوار می دادند بعضی ۵۰ سوار هم نمی دادند و این قانون جز این که ترتیبات سابق را در هم برهم کند فعلاً نتیجه دیگری نخواهد داشت و از این گذشته باید بدانیم که فقط هفت تومن تنها نیست که بودجه تعلق بگیرد برای اینکه هر سواری در سال صد تومن خرج دارد و هر خانواری بیش از صد تومن نمی دهند و در صورتی که اهالی و رعایای دهات که سرباز بده هستند گذران و فوایدشان از احشام و زراعت است مالیاتی را که می دهند عیناً مثل شهرها می دهند و با وجود این از برای سوار هم سه تومن می دهند علاوه بر این آدمی و تصویب کردیم که ده هزار سوار گرفته شود یعنی هر سی خانوار از ایلات یک نفر سوار بدهند و امسال فرضاً دوهزار سوار لازم است اینرا نمیدانم از کدام یکی از ایلات بگیریم بواسطه اینکه از هر ایلی که شما بگوئید گرفته شود ترجیح بلامرجه است بجهت اینکه شما تصویب کرده اید که از هر ایلی سوار بگیرند دیگر معین نکرده اید که از کدام يك آنها مقدم گرفته شود و آنوقت از هر کدام که بخواهید شروع بکنید و این مالیات را بر او ببندند که در واقع هر خانواری هفتاد تومن بدهد که شما هفت تومن و نیش را بدهید بسوار و آنها را در تحت نظام بیاورید آن ایدل خواهد گفت ما چرا باید بدهیم که از مرکز دور هستیم یکی دیگر بدهد پس باید قانون عمومیت داشته باشد باید که امسال چقدر سوار لازم داریم و مخارج چقدرش را میتوانیم بر بودجه تحمیل بکنیم مثلاً وقتی که دیدید دوهزار بیشتر نمی توانید بگیرد تصویب بکنید که از هر دو سی خانوار یک سوار بگیرد که هم آنها بتوانند تحمل بکنند و هم بودجه دولت تاب تحمل آنرا داشته باشد و الا ما اگر صد هزار سوار هم داشته باشیم هیچ عیبی ندارد بلکه خیلی خوب است و اگر فقط بعرف تنها اکتفا میشود ممکن است تصویب بکنیم که از هر سه خانوار یک نفر سوار گرفته شود ولی در عملیات که داخل میشویم باین اشکالات بر خواهیم خورد و بنده عقیده ام این است که از هر سی خانوار یک سوار گرفته شود ولی منظور نشود يك تحمیل فوق العاده است و بنده تصویب نمیکنم و باید همانطور که آقایان گفتند این لایحه رود بکمیسیون بودجه و در آنجا ملاحظه کنیم و به پیشیم امسال چند هزار سوار لازم داریم و نسبت بدهیم بایلات و طوری قرار بدهیم که آنها هم بتوانند عمل بکنند.

سردار اسعد - عرض میکنم بنده این فقره را حالا خیلی زود میدانم از برای ایلات چونکه ما باید امروز ایلات را استمات بکنیم محبت بکنیم و آنها را ساکت بکنیم و این فقره که بآنها برسد اسباب وحشت آنها می شود چونکه هر خانواری سه تومن باید بدهند مثلاً ایل بختیاری سی هزار خانوار هستند و از این قرار نود هزار تومن می شود دست کم را بگیریم چهل و پنج هزار تومن یا کمتر سی هزار تومن و باید بآنها بگوئیم که شما باید این را بدهید از برای اینکه سوار خودتان را را بدهد از برای کسی است که تحمل اینکار را بکنند پس بهتر این است که ما اول در نظم ایلات بکوشیم آنوقت قرار سوار آنها

بدهیم و به بنیم از قانون نظام چقدر سوار لازم داریم و آنسوار چقدرش باید از ایلات باشند و چقدر از غیر آنها وقتیکه این کارها را تصفیه و معین کردیم آنوقت میزود در این خصوص رأی بدهیم و چونکه هر حکمی که از مجلس بیرون می رود باید فوری مجری بشود بدترین کارها این است که حکمی از مجلس بیرون برود و مجری نشود و این حکم اگر از مجلس بیرون برود اجرائش یک قدری اسباب اشکال خواهد بود پس بهتر این است که اینکار و این قانون را یک قدری تعویق بیندازیم از برای اینکه به بنیم کدام يك از ایلات حاضرند برای اینکار و مدت خدمت را در چقدر می شود قرارداد سه سال زیاد است که تر فرار بدهیم و همچنین سایر ملاحظات را بکنیم بنده عرض میکنم از کلیه ایلات جنوبی هر قدر پول بیاورند بدهید ممکن نیست سه سال سوار آنها را نگاه بدارید و در هر صورت این فقره حالا یک قدری زود است از برای گفتگو.

وزیر جنگ - مخصوصاً این مجلس و پارلمان برای این است که تمام امورات را در مملکت بطور مساوات ترتیب و اجرا بکنند یعنی هیچ دلیلی ندارد که یک قسمت از مردم این مملکت از رعایای این مملکت سوار و سرباز بدهند و هر ده خانوار یا زنده خانوار یک نفر سرباز بدهند و یک قسمت خیلی کلو بهیچوجه سرباز و سوار ندهند در صورتیکه همه قسم استعداد در آنها موجود است برای دادن سوار هم اعتقاد خود بنده این است که نوکری دولت باید اجباری باشد یعنی خدمت باید عمومی باشد ولی نوکری اجباری است و این يك چیزی است که در تمام ممالک دنیا هست که خدمت دولت عمومی است یعنی بنده و شما و دیگران هم باید سرباز بده باشیم توپچی بده باشیم و عقیده شخصی بنده این است و هیچ معتقد نبودیم هم نیستیم ولی امروز اگر این کار را ما بخواهیم شروع بکنیم ممکن نیست برای اینکه احصائیه و شماره نفوس نداریم و این کار اقلاً پنج شش سال طول خواهد داشت که در مملکت اداره احصائیه مرتب بشود و شماره نفوس پیدا بکند و بعقیده شخص من اقلاً ده سال طول خواهد داشت که این ترتیب در مملکت معمول شود و بتوان افراد اهالی مملکت ایران را بخدمت اجباری واداشت و وقتی هم که آن ترتیب شد دیگر بودجه لازم نداریم تمام مردم باید حاضر خدمت باشند مثل ترتیبی که در تمام دول عالم و در تمام نقاط دنیا معمول است و حکم بیغیر ما هم که جهاد است از برای عموم مسلمانین ولی عجالة تا ده سال دیگر ما چه بکنیم که هم يك حال تساوی با افراد اهالی مملکتی خودمان بدهیم و هم يك عده سوار حاضر مسلحی داشته باشیم اینجا چند فقره اظهاراتی فرمودند که بنده بعقیده خودم یکی یکی آن فرمایشات را جواب عرض می کنم یعنی بعقیده شخص خودم اولاً فرمودند که سوار قدیم ما چه می شود سوار قدیم ما هست هیچ طوری نمیشود امروز فرض فرمائید ایل ایلات و هفتاد هشتاد نفر سوار میدهند و دو هزار خانوارند وقتی که این قانون از مجلس گذشت وضع شد حساب می کنند مثلاً می بینند که این ایل سیصد سوار تعلق می گیرد باقی را از روی يك ترتیب صحیحی از بین آنها می گیرند پس

سوار قدیم ما از میان نبرد بلکه این قانون که گذشت از مجلس فوراً آن ایلاتی را که سابق بر این سوار میدادند در تحت این حکم درمی آوریم مثلاً ایل ایلاتو سوار میداده است بعد از وضع این قانون ما فوراً می خواهیم شماره می کنیم و می گوئیم مطابق قانون فلان مقدار سوار بر شما وارد است مثلاً می گوئیم اضافه بر این عده که هست ما صد و پنجاه پادوست سوار دیگر از شما می خواهیم و این مقدارش را هم آنها شاید با کمال افتخار حاضر بشود و در کمال امتنان بدهند علاوه بر این مسئله که وزارت جنگ پیشنهاد کرده است بدون ملاحظه اطراف و نکات کار نموده است بلکه موقعی می خواست این فقره پیشنهاد بشود از وکلای ایلات مثل آدینه محمد خان مثل حاج محمد کریم خان و کبلی قشائی و همین طور از سایر رؤسای بختیاری که در طهران هستند آنها می گویند رئیس و سرکرده بودند همه حاضر بودند و خیلی در این خصوص مذاکره کردیم بالاخره بعد از این که چهار ساعت حرف زدیم و در این کار دقت کردیم همه تصدیق و تصویب کردند که به همین ترتیبی که پیشنهاد شده است از هر سی خانوار يك سوار گرفته شود حتی این که این ماخذ سی خانوار حالا را تخمین فرار دادند و گفتند که این هم يك موضوعی است که از میان خواهد رفت و باید بتدریج کمتر از این میزان يك سوار بدهند و اما این که شاهزاده عمو اقلی فرمودند که این لایحه باید بکسیسیون بودجه برود و بعد از آنی که رأی کبسیسیون بودجه در این خصوص معلوم شد بمجلس بیاید این را بنده خیلی تعجب می کنم برای این که ما چیزی اضافه بر بودجه پیشنهاد نکرده ایم بودجه نظام را بنده نوشته ام و تقریباً دو ماه است که فرستاده ام بوزارت مالیه با نظریات سال آتی که مثلاً ما در سال آتی چهار هزار سوار یا پنج هزار هر چه که آتی نوشته شده است لازم داریم و وقتی که آن بودجه آمد بمجلس و تصویب شد ما هم آن عده سوار از ایلات می گیریم برای اینکه ما که جیره و عایق می دهیم ما که لباس بآنها می پوشانیم ما که مشق می دهیم چه عیب دارد که آن عده را که لازم داریم از ایلات خودمان که رشیدتر و جنگ جو تر هستند بخواهیم و خیلی بهتر فایده می رسد برای خدمت بملت این هم بعقیده بنده جواب آن مسئله است اما در باب این که فرمودند یعنی گفته شد اینجا که نفی یا خانواری ۳ تومان باید بدهند کجا این نوشته شده است در این لایحه که پیشنهاد شده است که هم چوپیزی نوشته نشده است که هر سی خانوار نود تومان باید بدهند این يك قراری است که ایلات در میان خودشان می دهند ما فقط چیزی را که می گوئیم در این قانون اینست که باید هر سی خانواری يك اسب یا يك مادبان و يك جوان لایق نظام بنا بدهند آیا کسی هست این جا که بگوید در سی خانوار ایل ده خانوار آنها اسب ندارند این چطور می شود بر فرض اینکه این طور باشد ممکن است یکی يك تومان یا پنج هزار بدهند و يك اسب تهیه کنند دیگر ما هیچ نکتتهای که هر خانواری سه

تومان باید بدهند تا این که تعه ل باشد ما می گوئیم عموم مردم ما نوکر بدولت می دهند باید ایلات هم بدهند مثل این که در آذربایجان اگر ملاحظه فرمائید هر ده خانوار سه خانوار يك سرباز میدهند و هم پنج تومان مالیات بده هستند و اگر ما این نسبت در ایلات بخواهیم بنیچه بندی بکنیم دارای سی هزار سوار خواهیم بود و این ترتیبی را که ما می خواهیم در ایلیات اقدام کنیم هیچ اهمیتی برای آنها ندارد این هم بعقیده بنده جواب از این فقره - اما اینکه میفرمائید اسباب توحش ایلات می شود برخلاف عقیده شخص بنده این است که اینکار بیشتر اسباب استمالت از ایلات میشود برای اینکه ایلات ما که بت عهدی را دیده اند که اگر قبلاً فلان سر کرده یا فلان رئیس آنها میآید اینجا از او تعارف میگیرند تفنک می گرفته و وقتی دیدند که حالا بی آینه اینجا جیره صحیح می گیرند لباس صحیح می پوشند و رؤسایشان اگر داخل شوند صاحب منصب می شوند و مواجب می گیرند بعقیده بنده این مطلب خیلی باعث جذب قلوب آنها می شود نسبت به مرکز برای اینکه سابق اگر يك ایلخانی می آمد بالاخره بهر وسیله برای او خیلی اسباب زحمت فراهم میکردند ولی حالا که میباید زحمتی که بر آنها وارد نمی شود سهل است منتهای راحتی را خواهند داشت و اما در باب سه سال کسی نمی گوید که این سوار سه سال بخانه خودش نرود معنی اینکه مدت خدمت در زیر اسلحه سه سال است اینست که سه سال باید در زیر اسلحه دولت باشد و دولت حق دارد او را تا سه سال نگاه بدارد حالا اگر وزیر جنگ یک وقتی صلاح دید دو ماه معزوم و صفر را که فرضاً کار ندارند برای اینکه ماه عزاست آنها را مرخص می کند که باز غره ماه ربیع الاول برگردند و بیاورند سر خدمت يك وقتی میشود که وزیر جنگ مثلاً در چهار ماه زمستان هوا که سرد است و موقع خدمت فوق العاده نیست مقتضی می بیند می گوید که فلان سوار در این مدت برد خانه خودش و بعد از چهار ماه بیاید و این هم هیچ مورد مؤاخذه نیست که کسی از وزیر جنگ بیرون که چرا او را مرخص کرده اند پس این هیچ حتم نیست که سال را تماماً باید در زیر اسلحه باشند مطالبی بود که گفته شد و بنظر بنده آمد و اما در خصوص اینکه يك چیزی بگوشم خورد که هفت تومان بآنها باید بدهند کی کسی گفته است که هفت تومان باید بآنها بدهند این يك قانون سوار گیری است که از مجلس می گذرد بعد از این که از مجلس گذشت تصویب شد که مثلاً از هر سی خانوار يك سوار بگیرند و در باب حقوق آنها موقش وقتی است که بودجه مملکتی نوشته میشود هر قدر که مجلس شورای نظامی - کبسیسیون نظام مجلس - کبسیسیون بودجه و مجلس مقدس تصویب کرد نفی ده تومان بیست تومان هر چه تصویب شد بآنها داده می شود والا این کی گفته است که نفی هفت تومان باید بآنها بدهند مذاکره

حقوق آنها ربطی باین قانون ندارد این لایحه بنده چنین گمان می کنم که يك قانون مدلی است نسبت بر رعایای ایران و ایلات آن که از مجلس مقدس می گذرد.

رئیس - این مذاکره که عجزاً می شود در کلیات است بعد از آنی که این شور تمام شد داخل مواد می شویم این است که خواهش می کنم از ناطقین که میخوانند نطق فرمائید نظرات خود را در کلیات این قانون فرمائید و داخل مذاکره مواد نشوند.

آقای میرزا اسدالله خان - بنده با اظهارات جناب وزیر جنگ کمال موافقت را دارم و گمان می کنم که این اولین پیشنهادی است که در باب نظام بمجلس پیشنهاد میشود و تکرار می کنم عرضی را که در موضوع وضع مالیات تریك عرض کردم و آن این است که قوانینی که وارد مجلس می شود باید دارای يك ادله و مقدمه مثبت آن باشد و بموجب نظامنامه باید طرحها و قوانینی که بمجلس وارد می شود دارای آن مقدمه باشد که دلیل او را توضیح نماید که آنقدر وقت مجلس تضییع نشود که اگر دارای يك مقدمه باشد بنده گمان می کنم نصف این مذاکراتی که می شود در اینجا نخواهد شد و وقتی که آن قانون از کبسیسیون برکشت و بمجلس آمد مخبر آن کبسیسیون اجمالاً از آن دلایل را بعرض مجلس میرساند که دیگر محتاج باین مذاکرات نباشیم و حالا بعضی از ادله لزوم این را آقای وزیر جنگ بیان فرمودند لکن يك دلیل بزرگ که ثابت می کند لزوم این لایحه را که آقای وزیر جنگ اظهار نکردند این است که ...

زیرا در موقی که هیئت وزرا معرفی شدند پروگرامی را که بمجلس پیشنهاد کردند در جزه آن پروگرام یکی این بود که سی هزار قشون رفورمه داشته باشند و آن پروگرام را مجلس تصویب کرد و در این جا ما فقط طرز سوار گیری را رأی می دهیم و هیچ کار نداریم که امسال ده هزار ۲۰ هزار ۵ هزار خواهند گرفت یا زیادتر یا کمتر و این مسئله هم آنچه عقیده خودم است از این نقطه نظر فقط این بوده است که آن ترتیبی که پیش بوده است یا مال نشود دوباره این که این طرح مفید این فائده است که تساوی ما بین ایلات بشود ایل ترکستان دیگر هیچ وقت کلاه نمیکند که شما از ایل بختیاری سوار می گیرید از ما چرا سوار ندارید و شاید قشائمی هم همین اظهار را بکنند پس می توانم عرض بکنم که اظهارات شاهزاده سلیمان میرزا فقط بجهت این بوده است که يك پیشنهادی از طرف وزیر جنگ می شود یا امسال شود و بنده عقیده ام این است که اگر می خواهید سرایت بدهیم این نفوذ را با طرف هر چه زودتر این را بگذرانید بهتر است بجهت این که اینها در این مدت مشق سوار نظام را بلد می شوند اینها بعضی محسنات دارد که اگر کلیاتش امروز بگذرد شاید تا يك دوره تقنینیه دیگر يك عده سوار ما حاضر داشته باشیم در صورتیکه اگر امروز نگذرد شاید تا يك دوره تقنینیه دیگر با در يك دوره تقنینیه دیگر يك وزیر جنگ دیگری باشد که این مسئله بنظرش نباید یا لازم نماند پس بهتر این است که هر چه زودتر رأی داده شود

سر دار اسعد - پس ابتدا باید این اسم که ایلات يك پول بدهند برده نشود.

عرض میکنم بهیچوجه در این لایحه چینی چیزی نوشته نشده است که ایلات يك چیزی بدهند ابتدا فقط نوشته شده که از هر سی خانوار يك سوار بطوریکه عرض کردم آن جوانیکه بدلت بدهند از هر ۳ مرد يك مرد میدهند از هر سی خانوار يك اسب که ببطور نظامی بگوید آن صحیح البدن است و يك تفنک واسب را هم باز مسامحه کردیم گفته ایم یا يك مادبان صحیح البدن چیز دیگری بهیچ اسم نخواسته ایم.

لواء الدوله - عرض می کنم که اینجا يك مطلبی است عنوان شد و مذاکره شد و ازین رفت و آقای وزیر جنگ هم اشاره بان نکردند و الا ما می خواهیم يك عده سوارى بیست ترتیب صحیحی از ایلات بگیریم يك فانوی مینویسیم بدست وزیر جنگ می دهیم ان وقت وزیر جنگ ایران باید این کار را اجرا کند مدت برای اینکار فراموش نماند رفت ان فرمایش آقای سردار اسعد هم وارد نمیشود مثل پیاده رفورم است هیک عده پیاده رفورم لازم داریم و حالا شروع شده است بيك ترتیب يك اندازه آن گرفته شده است گذشته از این مادر دفتر دولتی مان ۲۷ هزار سوار ثبت است اینها هیچوقت ترتیب قانونی نداشته است آمده ایم می خواهیم ترتیب قانونی بدهیم و از طرف وزیر جنگ مراقبت شده است که این خدمت بزرگ بمملکت بشود.

رئیس - خیلی از آقایان هستند که اجازه نطق خواسته اند و دو مسئله را لازم است که بنده عرض کنم یکی آن است که رعایت موافق و مخالف بشود یکی دیگر بعضی از نمایندگان بطور اشاره و کلیه بعضی فرمایشان بمقتضای محترم خودشان فرمایند.

سلیمان میرزا - چون بنده يك اخطار نظامنامه داخلی کردم بطح نظر از اینکه نظامنامه داخلی منظور نشد بلکه سوء تفاهم هم شد بنده عرض کردم ماده ۲۰۹ نظامنامه داخلی را مطالعه فرمائید و حالا نخواستند مطالعه فرمائید سهل است سوء تفاهم ها می کردند که هیچ مقصود گویند نبود ماده ۲۰۹ و ۲۰۸ نظامنامه داخلی میگوید لواجیحی که تقاضای خرجی میکنند بعد از آنکه کبسیسیون مربوطه نظرات خودش را کرده نظرات خودش مساعد با آن طرح بود رجوع به کبسیسیون بودجه می کنند و کبسیسیون بودجه نظرات خودش را در باب خرج آن در ظرف ده روز بمجلس تقدیم میکنند حالا این دو ماده نظامنامه داخلی در این موضوع مجری خواهد شد یا نخواهد شد خود دانند دیگر مقصود بنده این نبود که آقای آقامیرزا اسدالله خان فرمودند که این لایحه یا مال شود خیلی غریب است این نسبت آنها به بنده و هم مسلکان بنده که خدمت نظامی را اجباری میدانیم برای تمام افراد مملکت و نزدیک میکند این لایحه ما بر طرف آن مقصود بطرف آن مقصود می رود و آن مقصود را محققاً نزدیک خواهد کرد لکن هر چقدر این خوب باشد هر چه قدر هم ما شایق و مایل باشیم که آن مطلب زود بگذرد گویا مانع رعایت و عدل بقانون نباشد حال ممکن است بگویند موضوع آن دو ماده اینجا نیست و الا بعقیده بنده مطابق ماده ۲۰۹ و ۲۰۸ نظامنامه داخلی باید پس از آنکه بکبسیسیون

نظام رجوع شدیاید بکمیسیون برده اگر مایل هستند که این قانون بگذرد و مجری شود و الا اگر باید این قانون نوشته شود منسباً باشد بنده عرض میکنم نظر بنده آن بود که آقای آقا میرزا اسدالله خان فرمودند نظر بنده اخطار نظامنامه داخلی بود که سوء نظام شده است.

رفتخار الو اعظمین - اولاً عرض بنده راجع بآن اخطار است که مادراً که حضرت و الا اخطار فرمودند مضمون آن این است که لوابی که تقاضای نرج میکنند برای سال آتی به پاره ای همان سالی که در همان دوره هستیم و این لایحه تقاضای خرج برای سال آتی و امسال نمیکنند این لایحه اجازه میخواهد از مجلس شورای ملی که از سی خانوار يك سوار گرفته شود و اما لفظ ده هزار سوار که گفته شد در ضمن اظهارات بعضی از آقایان بنده هر چه در این لایحه نظر میکنم لفظ ده هزار بیست هزاری نیست همینقدر دارد که زهر سی خانوار يك سوار گرفته شود در باب مخارج هم بطوریکه آقای وزیر جنک گفتند در مدت خدمت او یعنی که آن سه سالی که در زیر اسلحه هست مخارج اسب و مخارج ضروری او و خانواده او را بدهند بنده عرض میکنم از اول مجلس شورای ملی اول لایحه است که در باب اصلاح نظام بمجلس آمده است و بنده موافقم با راپورت کمیسیون نظام و نهایت تشکر را از آقای وزیر جنک از تقدیم این لایحه میکنم.

وکیل التجار - بنده میخواهم استدعا کنم که آقایان يك چیزهای خیلی خوبی که برای ما پیش میآید که خیلی خیلی دوست میداریم و مدتها انتظار او را میداشتیم وقتی که دیدیم يكی مبهوت نشویم یعنی همه چیز را فراموش نکنیم خیلی چیزهای خوب می بینند که نوشته میشود و بنظر میآید ولی در ضمن آن بعضی چیزها درج می شود که مخالف آسایشمان است بنده عرض میکنم که گرفتن سوار از ایلات مثل سایر رعایای این مملکت این را بنده اول ترتیبی میدانم که خیلی لازم است از برای این مملکت و خیلی محسنات دارد که از اغلب آقایان بیان کردند و مقداری را هم آقای وزیر جنک بیان فرمودند و خیلی دلائل و محسنات دیگر دارد که گفته نشد و اگر گفته شود خیلی بطول خواهد انجامید ولی عقیده شخص بنده این است که عرض میکنم که در این دوره مخصوص برای گرفتن سوار و تحویل يك مبلغی بریکمده از رعایا یا عموم رعایا این يك مطلبی است که بکسی اگر هم مجزی است اینها باید از هم تفکیک شود ما اگر سوار میگیریم اگر بیاورد میگیریم اگر نظام میگیریم اگر رفورم میکنیم باید از روی يك ترتیب صحیح باشد نه اینکه طوری باشد که تحویل بشود و اشتباه بشود بيك مطلب دیگر و اینکه در يك قسمت يك تحویل بشود او را هیچ بنده مخلوط نمیکنم با گرفتن سوار بنده عرض میکنم که گرفتن سوار باید از بودجه دولت از بودجه مملکت باشد البته در این لایحه از ایلات سوار گرفته شود بهتر است لکن مخارج او را دولت باید بدهد ابداً مربوط بخانوار او نیست از ایلات خیلی خوب است لکن مواجبه آنها را اسب آنها را حقوق آنها را باید دولت بدهد دخلی بخانواری ندارد بنده نمیخواهم عرض کنم که سوار لازم

نداریم لکن عرض میکنم سوار لازم داریم لکن باید بدانیم که بچه شرط قبول میکنیم بنده نمیتوانم بگویم سوار لازم نداریم و نباید سوار بگیریم برای اینکه این يك کاری است که به همین طوری که فرمودند بهترین چیزهاست که پیشنهاد شده است اما نمیتوانیم بگوئیم مواجبه را ایل بدهد مخارج خانواده اش را ایل بدهد البته باید تمام مخارج او را وزارت جنک بدهد و اگر هم چیزی باید تحویل شود علیحده يك چیزی بعنوان قانون باید نوشت که گرفته شود از هر کس که باید گرفته شود ایندو مسئله را از هم تجزیه کرد بنده گرفتن سوار را خیلی لازم میدانم و تحسین تمجید میکنم اما مخارج را ولو بکفران باشد با فرضا مخارج دهته اسب باشد آنرا هم بنده تصویب نمیکنم که از آنها گرفته شود باید وزارت جنک بدهد.

هزارهالك - اینجا گویا در موضوع لایحه قدری اشتباه میشود و قدری مخلوط میشود با جهت اسباب اشکال و گفتگو شده است مطابق اصل صدو چهاردهم قانون اساسی ترتیب گرفتن قشون با مجلس شورای ملی است و در وضع سرباز گیری ما از قدیم الایام معمول بوده است که در واقع حکم قانون پیدا کرده است بعضی جاها معمول بوده است که يك مقداری سرباز می دهند و در همان جاهای معمول بوده است يك مقداری هم مالیات سربازی میدادند که چهرای كمك خرج خانه آن سرباز چهرای حرکت آن سرباز حالا این لایحه را که وزیر جنک پیشنهاد کرده است اگر فرض بفرمائید

که پیشنهاد نمیگردد و اجازه مجلس شورای ملی را حاصل نمیکرد در باب گرفتن سوار از ایلات و شروع میکرد بگیرد سوار از ایلات تمام شماها تعرض میکردید که مطابق چه حق و مطابق کدام قانون میخواهد این قشون را بگیرد و این ماده ۱۱۲ قانون اساسی را هم بشیر دست خودتان میکردید که مطابق این قانون باید قشون بتصویب مجلس گرفته شود پس وزارت جنک دیده است که مملکت شما محتاج است بقدری قشون و آنهم مسئله طبیعی و منطقی است که قشون راهم بشه باید از عناصر جنگی مملکت گرفت از آن قسمتی از مملکت گرفت که با طبیعه استعداد شان برای جنگ چه از باب رشادت چه از سایر جهات بهتر این است که از مجلس شورای ملی اجازه میخواهند که بیکمده از ایلات سوار بگیرند چه عیب دارد و اینجا وکیل التجار هم لازم خواهد بود البته مجلس آن وقت همین خواهد کرد که سوار بیکمده سال در خدمت دولت است بدیهی است که هیچ يك از شما ها تصور نمی فرمائید که فوری این عده سوار را وزارت جنک حاضر می کند اول کاری که بکنند و منتهی اقدامیکه بکنند وزارت جنک این است که فقط برای سال آتی اگر ميل داشته باشند که سوادى گرفته شود بودجه يك ثلث آن را بشما پیشنهاد خواهد کرد و اینکه گفته شد از کدام ایل گرفته می شود این از وظیفه هیچ مقننی نیست که بگوید اولد کدام از ایلات گرفته می شود خود وزارت جنک همینطور که صلاح میدانند از ایلی که می خواهند مقتضی می بیند می گیرد و در سال دوم ثلث دوم را از این سوار فرضاً می گیرد و بودجه ثلث تانی را پیشنهاد میکنند و سال دیگر ثلث دیگرش را پیشنهاد خواهد کرد که در سال اول با پیشنهاد يك ثلث شما سه هزار سوار و در سال دو پیشنهاد ثلث

خودشان برای خدمت بدولت حالا اگر بنده زیاد تصور نکنم در هر سی خانوار يك نفر هست که يك اسب داشته باشد و این تحمیلی نیست بجهة اینکه او می آورد بجهة دولت يك چیزی را که خودش دارا است مسئله دیگر که خرج خانه اوست که می گوئیم آن سی خانوار کفالت مخارج خانه او را بکنند اینهم باز تحمیلی نیست اگر قدری خوب تفکر بکنیم بجهة اینکه این سی خانوار وقتی که دیدند باید متحمل آن يك خانوار بشوند باز آنها اختیار این را دارند که از يك خانوار متولی انتخاب کنند یعنی يك نفری را انتخاب بکنند و بخدمت دولت بفرستند که از خودش متولی داشته باشد که محتاج بدانند خرج بخانواده اش نباشد این برای خانواده که فقیر باشد و انتخاب شود می توان دست آن از شواذ است و خیلی نادر خواهد بود بجهة اینکه ایل این اختیار را دارند که يك نفر متولی انتخاب بنمایند پس باین دلیل که عرض کردم تصور میکنم که آن ایراد آقای وکیل التجار تا يك اندازه رقم شده باشد و مخارج سوار را چند آن سه سال که در خدمت دولت است چه در موقعی که در ردیف احتیاط است خود دولت می دهد و اینجا تعرض شد که چرا این لایحه به کمیسیون بودجه نرساند معلوم است بجهة اینکه این تقاضای خرج نیست این يك اجازه است از مجلس شورای ملی گرفته می شود بجهة گرفتن يك سوار از سی خانوار اینجا وزارت جنک يك تحمیلی کرده است که هر سی خانواری از ایلات که در ایران هستند يك سوار خواهد داد حالا فرمایند تصور این را کرد که در این صورت چندین هزار سوار خواهد فوری گرفت این تصور نیست که این قانون وضع شد مثلا تصور میکنیم که چهارصد هزار سوار ایلات فرما داریم ده هزار سوار خواهیم گرفت این را حالا فوری اجرا نمی کنیم لکن این يك زمینه و فواید است که دست وزیر جنک میدهند که مطابق آن قانون باید سوار بگیرد ولی از هم دیده است که مملکت شما محتاج است بقدری قشون و آنهم مسئله طبیعی و منطقی است که قشون راهم بشه باید از عناصر جنگی مملکت گرفت از آن قسمتی از مملکت گرفت که با طبیعه استعداد شان برای جنگ چه از باب رشادت چه از سایر جهات بهتر این است که از مجلس شورای ملی اجازه میخواهند که بیکمده از ایلات سوار بگیرند چه عیب دارد و اینجا وکیل التجار هم لازم خواهد بود البته مجلس آن وقت همین خواهد کرد که سوار بیکمده سال در خدمت دولت است بدیهی است که هیچ يك از شما ها تصور نمی فرمائید که فوری این عده سوار را وزارت جنک حاضر می کند اول کاری که بکنند و منتهی اقدامیکه بکنند وزارت جنک این است که فقط برای سال آتی اگر ميل داشته باشند که سوادى گرفته شود بودجه يك ثلث آن را بشما پیشنهاد خواهد کرد و اینکه گفته شد از کدام ایل گرفته می شود این از وظیفه هیچ مقننی نیست که بگوید اولد کدام از ایلات گرفته می شود خود وزارت جنک همینطور که صلاح میدانند از ایلی که می خواهند مقتضی می بیند می گیرد و در سال دوم ثلث دوم را از این سوار فرضاً می گیرد و بودجه ثلث تانی را پیشنهاد میکنند و سال دیگر ثلث دیگرش را پیشنهاد خواهد کرد که در سال اول با پیشنهاد يك ثلث شما سه هزار سوار و در سال دو پیشنهاد ثلث

تانی شش هزار سوار و در سال سوم پیشنهاد ثلث ثالث نه هزار سوار خواهد داشت وقتی درست ملاحظه فرمودید باین ترتیب رفتار خواهد شد و دچار هیچ اشکالی نشده اید پس باین ترتیبی که عرض کردم بکمال خوبی و سهولت در يك مدت کمی يك عده سوار لایقی شما خواهید داشت و اینهم تقاضای خرجی نیست که لازم باشد برود بکمیسیون بودجه هر وقت وزارت جنک یا مالیه تقاضای بودجه ثلث این سوار را کرد و بمجلس فرستاد البته آنوقت بکمیسیون بودجه رجوع خواهد شد دیگر اینکه وضع يك مالیات و تحمیل يك مالیاتی ابدأ نیست و چنین اسمی در این لایحه بهیچوجه برده نشده فقط يك اجازه است که زم مجلس در خصوص گرفتن این عده سوار باین ترتیبی خواهند.

وزیر جنگ - بنده همین قدر تأیید می کنم تقریرات این وکیل محترم عالم بعلم نظام را که تقریباً تمام نکات علم نظام را بیان کردند و امیدوارم دیگر اشکالی نداشته باشند و این مسئله را اقدام بفرمائید و بنده نتایج خیلی بزرگ در این کاری بینم.

رئیس - خوب مذاکرات در کلیات این لایحه بنظر بنده سهی است حالارای می گیریم در ردیف در شور و مواد این لایحه.

ارباب کبخسرو - بعضی می خواهند مذاکره بکنند.

حاجی وکیل الرعایا - چون از روی تجربه در مذاکرات مجلس و در اجراء این لایحه بعضی اختلافات بنده دیده ام این است که لازم می دانم بطور کلی عرض کنم آن اشخاصی که تصدیق دارند گرفتن سوار را از ایلات بنده هم تصدیق دارم آن اشخاصی که تصدیق دارند گرفتن سوار را بنده هم تصدیق دارم اما بشرط آن شرط این است که مورد موفق نمی توانیم بشویم باینکه بآن چیزیکه رأی میدهم در محل خودس بعین اجرا شود و بنده می بینم که چیزی که الان رأی میدهم در پیش چشم من است که در محل خودش از خیلی بدی خواهد کرد و آنها را بوحشتی خواهد انداخت که چه عرض کنم (بعضی با اظهارات ایشان تعرض کردند) بله باید من در مجلس شورای ملی بگویم تا پیش خداوند مسئول باشم برای اینکه بنده می بینم که يك عده الان در تاریکی هستند و در يك وحل زندگی میکنند و وقتی که این مطلب به آنها برسد خواهند گفت که مجلس شورای ملی برای ما اینکار را کردند که فلان قدر سوار بگیرند و بنده شریکیم به آقای وکیل التجار که باید دولت از طرف خودش سوار بگیرد بعد در موقع خودش هم از برای مخارج آنها مالیات وضع کند که استفاده ای که می خواهد از سوار بکنیم از پول دولت باشد.

رئیس - وقتی که با این ماده رسیدیم شما نظریات خودتان را در آنجا می توانید بفرمائید.

حاج وکیل الرعایا - در آنجا خواهم اجازه خواست و بعضی عرایض خواهم کرد ولی در اینجا که بطور کلی که وارد این مواد می شویم يك نظری داشته باشیم که آن چیزی را که وزیر جنک و کمیسیون نظام پیشنهاد کرده است استفاده بکنیم اینطور نیست که بنده موافق باشم.

حاج آقا - بنده تصور میکنم که يك نماینده در مقام نمایندگی يك چنین لایحه ای که بمجلس می آید و باید چند چیز را در نظر بگیرد بيكی اینکه ملتی که ما از طرف او وکیل هستیم بطور مالیات بدولت می دهند و فرضش از دادن این مالیات چیست و چه مقصودی دارند و در مقام تسهیل امور چه طریقی را ما باید اتخاذ بکنیم تمام این حرفها که زده شد می بینیم از این نقطه نظر دور است بنده تصور میکنم اگر از ملت ایران بپرسم که بزرگتر چیزی که شما در مقابل این مالیات می دهید بزرگتر هم می و مصرفیکه برای این پولیکه می دهید بدولت چه چیز را می دانید تمام اختلاف بکلمه واحد فریاد خواهند زد قشون قشون قشون و يك لایحه هم که در این خصوص بمجلس می آید اساساً همه تصدیق می کنیم ولی وقتی که می رسیم بيك ترتیب قشون و قشون گیری بکمیستاری در بودجه اس تامل میکنیم و يك مقدار در ترتیب تحمیل آن و يك مقداری در خصوص وحشت آنها و حال آنکه بنده عرض میکنم که هیچ يك از این موانع موجود نیست و تمام مقتضیات از برای اجرای این قانون در این مملکت مهیا شده است و علاوه بر آن عرض میکنم هر چه مالیات در این مملکت گرفته می شود عرض میکنم در مقابل آن ادارات تشکیل کرده اند و به آنها در ادارات پر کرده اند بنده هم کر آن پولها را بخرج قشون بزنیم بهتر توانستیم که بوطیفه رکالت خودمان عمل کرده باشیم و بهتر توانستیم بقصد دهنده کن آن مالیات عمل کرده باشیم این راجع بودجه است و باید بکمیسیون بودجه برود اینها خارج از موضوع این لایحه است هیچ نباید از طرف بودجه آن نکران باشیم بنده بکنفر نماینده هستم که بودجه وزارت جنک که می آید بمجلس هر چه برای قشون نوشته باشند و بخواهند بنده تصویب میکنم و بقیه را از برای سایر ادارات تصویب خواهم کرد اما راجع با ایلات که بعضی هاصعبت میکردند که شاید ایلات توحش بکنند و قبول نکنند اینکار را بنده عرض میکنم که اول این پیشنهاد تقاضای وکلای ایلات و جمعی از وکلای جنوب بود و بنده خیلی تشکر میکنم از آقای وزیر جنک که این را بشکل يك لایحه قانونی آوردند بمجلس سابق ایلات منتظر بودند که جوانهای خودشان را بدهند و نان خانه رئیس خودشان بشوند و نان خانه سر کرده ها و رؤسای خودشان باشند ولی اگر بآن ترتیب نباشد که خدمت بکنند و حقوق بگیرند خود آن ها حاضرند برای خدمت بدولت تمام ایلات چه جنوبی چه شمالی خودشان حاضر هستند که با کمال میل خدمت بدولت بکنند این ارتباط ایلات بدولت و ارتباط دولت به ایلات چیزی نیست که وکیل در پشت میز بایستد نطق در آن بکنند این يك چیزی است که از واجبات است که تعقیب شود و اسباب رفاهیت اهل این مملکت است و اسباب نجات و خوش بختی این مملکت است سهولت اجرائش هم هانطوریکه گفته شد يك چیزی است که واضح است و محتاج تشریح نیست آقای وزیر جنک و آقای منزالملك تشریح کردند و من نمی دانم چطور می شود در مقام سرباز گیری

رئیس - مذاکرات در کلیات ظاهرأ فی است (گفته شد کافی است).

رئیس - رای می گیریم که آیا تصویب می فرمائید که داخل شود در مواد شوم یا خیر کسانی که تصویب می فرمائید داخل شود مواد شوم و مذاکرات در کلیات را کافی می دانند قیام نمایند (اکثریت حاصل شد) . حالا شور در مواد است (در این موقع راپورت کمیسیون بترتیب ذیل قرائت شد):

ماده اول از لایحه وزیر امور سوار از کلیه ایلات ایران که سرباز بده هستند .

مانمی گوئیم که خانوار چطور سرباز می دهد و چطور بعضی تعذیلات با آنها می شود اما سی خانوار که می خواهند يك سوار بدهند می گوئیم يك سوار تحمیل است باینکه مخارج آن يك خانوار سوار را بدهد می دانیم و خیلی واضح است که چیزی نیست بجهة اینکه معیشت ایلاتی خیلی سهل و ساده و بيك معیشت ساده زندگانی می کنند و تعیش يك خانواده درسی خانواده يك چیزی نیست که ماهی ده یا زده تومان مخارج لازم داشته باشد يك خانوار درسی خانوار در کمال آسایش می تواند تعیش نماید و آن سی خانوار يك سوار می دهند یعنی يك اسب و يك نفر جوان و خرج مسافرت آسوار را تا تهران و بعد خرج آن سوار و آن اسب را دولت می دهد بنده تصور نمی کنم که نباید در این جا يك کلمه گفته شود نه از حیث اسب و نه از حیث مالیات و نه از حیث مخارج نه از جهت پول نه از جهت بودجه نه از جهت دیگرش و فوائد این مسئله بقدری نیست که بتوانیم در اینجا شرح بدهیم .

حاجی محمد کریم خان - اولاً این را عرض کنم که مسبقاً باشند تمام خرابی فارس ما از نبودن قشون است در سابق سه فوج در شیراز بودند بيكی مال خود قشونانی بود که ۸۰۰ نفر بود حالا خود قشونانیها چندین فقره بنده نوشته اند و اظهار کرده اند و بنده باطمینان آنها بود که ان پیشنهاد دولت سوار را کردم بمجلس گفتند این راجع وزارت جنک است مخصوصاً چندین خط از رؤسای قشونانی یعنی از کلانتر های آنها نه از ایلاتی سردار نه تمام نوشته اند و اظهار کرده اند که خیلی حوشوفت هستیم از اینکه از ما سوار بیاید و در این دو ساله که الحمدالله مشروطیت است و از اول قانون است و حساب است خدمت کنیم الان می خواهند ما را بختها را بشما بشما بیاورند که بخوانید و ببینید که خودشان از روی شوق اظهار کرده اند و بنده مطمئن به شدن پیشنهاد دولت سوار را کردم حالا از قشونانی حاضر است از روی شوق دمیل حاضرند که بیایند و خدمت کنند این سی خانوار هم يك چیز زیادی نیست يك نفر سوار را می دهند و خرج خانواده او را هم می دهند ولی به يك شرط و آن این است که حقوق آنها را طوری کنند که برسد با این وضع طهران با این وضع ذغال و همین ترتیب اینجا طوری بدهند که اینجا راحت باشند آنها ابدأ از آمدن حرفی ندارند و بنده خودم شاید از رؤسای ایلات بودم عرض میکنم ایلات قشونانی از روی شوق حاضرند بیایند اینجا خدمت کنند .

رئیس - مذاکرات در کلیات ظاهرأ فی است (گفته شد کافی است).

رئیس - رای می گیریم که آیا تصویب می فرمائید که داخل شود در مواد شوم یا خیر کسانی که تصویب می فرمائید داخل شود مواد شوم و مذاکرات در کلیات را کافی می دانند قیام نمایند (اکثریت حاصل شد) . حالا شور در مواد است (در این موقع راپورت کمیسیون بترتیب ذیل قرائت شد):

ماده اول از لایحه وزیر امور سوار از کلیه ایلات ایران که سرباز بده هستند .

که سر باز بده نمی باشند دولت بموجب این قانون سوار می گیرد .

آقا حاج شیخ ابراهیم زنجانی - بنده چند سؤال می خواهم بکنم برای سهل بودن رأی که در مواد می دمم آیا این سوارها غیر از آن سوارهایی که دولت دارد یا از دهات یا از ایلات که آنها باقی خواهند بود و اینها هم علاوه می شوند یا خیر این يك سؤال - سؤال دیگر اینکه این سوارها جزء آن سی هزار مشون است که در پرو گرام وزرا پیشنهاد شده بوده است یا غیر از آنست اینهم يك سؤال بعضی سئوالات هم در مواد است که بعد عرض خواهم کرد از قبیل اینکه سن اینها باید معین شود که از چه سن تا چه سن خواهد بود مخارج اینها چقدر خواهد بود **رئیس** - این شور در ماده اول است .

وزیر جنگ - بنده که اول عرض کردم اینها نسبت بمخارجش جزو همان مخارج بودجه خواهد بود بودجه در سال آتی اگر وزارت جنگ نوشت سی و پنج هزار تومان یا پنج هزار یا هفت هزار سوار بقدریکه ممکن است خواهد آورد که جزء بودجه باشد و مخارج از بودجه نباشد مثلا سوار آقایان بختیاری که ادن نهند سوار دارند این همان خواهد بود هیچ فرق نمی کند اینها جزو همانها هستند منتهی آتوقت از آنها استفاده می کنم که در تحت آن ترتیب می آورند دیگر این که فرمودند که این سوارهایی که داریم اگر از ایلات هستند آتوقت جزو همین ها یعنی باین ترتیب مرتب خواهند شد اگر فرار ایلاتند و سوارهاییکه داریم آن بسته بنظر وزارت جنگ است یعنی بنظر شورای نظامی و وزارت جنگ است اگر توانست که آن عددا را که لازم دارد از ایلات بیاورد و آنها هم باشند البته بهتر است که آنها هم باشند و اگر لازم نشد که هم از ایلات هم از غیر ایلات داشته باشد آتوقت بسپاری است که سوار ایلات بهتر است از غیر ایلات و آنچه نسبت بسن آنها و غیر آن که راجع بجزایر عمل است فرمودید اینها يك نظامنامه دارد که سن سررا چقدر است و ترتیب آن چیست و آن نظامنامه چاپ شده است و داریم و لازم شد که بنده يك مقدمه هشتاد تا از آنها را بدیم بیاورند آقایان ببینند و مطلع شوند که سنش چه و سایر شروطش چیست البته بقدری که ممکن است رعایت آن شروط را در این سوارها خواهم کرد و لو فرض که ما گفتیم یا نوشتم در نظامنامه که سن سوارها از ۱۸ تا ۲۵ باشد لکن در این سنوات اولیه آنقدرها اصرار نداریم بقدری بسامعه و غرض عین میگذرانیم البته بالمآل مطابق آن نظامنامه عمل خواهد شد .

ارباب کیخسرو - این جادرماده مقید کرده است از ایلاتی که سر باز بده نیستند متاسفانه ما هنوز نمی دانیم ترتیب سر باز گیری شان چیست تا اینکه قرار بدهیم سوار هم ندهند و حالا از جاهائی که سربار میدادند حالا هم بگیرند از روی چه فاعده نمیدانیم سوار و سر باز می گیرند این قانون لازم دارد نه نظامنامه وزارت جنگ از این جهت بنده عرض می کنم که آیا چه قانونی اخذ کرده اند برای سر باز گیری و آیا از سایر ایلات هم بگیرند یا نه

لکن این يك کلمه را عرض میکنم که شخصاً بنده از ترتیب نظامی اصلاحی ندارم ولی همینقدر میدانم که ترتیب سابق خیلی بد بود و البته تا يك چندی بادهمان طور راه برویم ولی از امروز استعدا میکنم که وزارت جنگ در خط جدید قدم بگذارد و آن ترتیبات پیش نباشد و سر باز گرفتن راجع بموم مردم باشد و بطور مساوات ولی در اینماده آنقدر اهریتمی ندارد باقی او از جزئیات راجع بنظر خود وزارت جنگ است چیزی که اینجا نوشته است یا از تمام این معنی این میشود که ما اینجا وقتی کرای بدهیم تمام این را رأی داده ایم سر باز نمیدهند از طرف دولت سر باز گرفته میشود این را مطابق مواد ذیل مینویسند چون اگر اینطور ننویسند مثل این است که تمام این را تصدیق کرده اند .

پهجت - در موقع شور کلیات بنده در اجباری نشود و آن ترتیبات که از کجا گرفته می شود و نمی شود آن بنده معمولی ندیم همان که بوده است و وزارت جنگ آن را حفظ میکند و اما اینکه فرمودید که بعضی جاها میروند سر باز می گیرند که بیشتر سر باز نداشته است این را تکذیب میکنم مگر در بعضی جاها اینکه تخفیف داشته اند بکم وزیر و سر کرده خودشان در آنجا قدری تعرض میشود بلکه از آن تخفیف از پنج نفر دوفر گرفته شود این يك صرفه است برای دولت که وزارت جنگ ملاحظه میکند و آن ولایتیک هیچ سر باز ندارد مثل بزد آن دلیلی ندارد که بنده سر باز نداشته باشند آنها باید بنده سر باز داشته باشد و سر باز بدهند .

حاج سید ابراهیم - بنده در همین ماده عرضم این بود که این ایلات بعضیها هستند که خاک نشین شده اند و این قانون که تصویب شد از آنها هم گرفته میشود چون حال ایلات دو قسم است بعضیها بواسطه دارائی علاقها خانه و یا بجزیدن زراعت ساکن شده اند و در همان اداره ایل قشائی هستند و مالیات آنها هم جز قشائی است و احکامشان هم با قشائی است و مثلا سر باز هم نمیدهند ولی بعضیها شان هستند که سردسیر و گرمسیر میکنند و خانه بدوش است و علاقه ندارد و حالا آن ایلاتی که نوشته است از کلبه ایلاتی که سر باز بده نیستند آیا شامل آن خاکی نشینها هم میشود یا خیر عقیده بنده این است که از آنها هم که خاک نشین هستند سوار گرفته نشود سر باز گرفته شود و از آنها هم که بالبلت باقی هستند و سر باز مثلا نمیدهند سوار گرفته شود و الا اگر بگوئیم از کلبه ایلات موارد نقص از این قسم جاها پیدا میشود و اگر این قانون را کلبه بدانی و بگوئیم کلبه ایلات این علت را پیدا میکند بنده در طرف جنوب که اطلاع دارم ثلث آن ایلات خاکی هستند اگر این را تعمیم بدهیم شامل حال آنها هم میشود جهة ندارد و اگر هم تخصیص بدهیم جهة ندارد که بگوئیم آنها هم که سردسیر و گرمسیر میکنند سوار بدهند آنها هم جزء این عنوان هستند ولیکن خاک نشین هستند این نکاتی را که عرض کردم برای این است که در کمیسیون این ملاحظات را بکنند که در شورائی اینمذاکرات دیگر نشود اینکه خیلی مذاکرات میکنند از شوق خودشان است که این زود بگذرد ولی از آقای مخبر استعدا میکنم اگر حالا جواب ندارند در نظر بگیرند که برای شور دوم جواب بدهند .

وکیل التجار - بنده بنده خیلی داخل جزئیات میشویم و چون گفته شد عنوان سر باز سر باز گیری و غیره

لکن این يك کلمه را عرض میکنم که شخصاً بنده از ترتیب نظامی اصلاحی ندارم ولی همینقدر میدانم که ترتیب سابق خیلی بد بود و البته تا يك چندی بادهمان طور راه برویم ولی از امروز استعدا میکنم که وزارت جنگ در خط جدید قدم بگذارد و آن ترتیبات پیش نباشد و سر باز گرفتن راجع بموم مردم باشد و بطور مساوات ولی در اینماده آنقدر اهریتمی ندارد باقی او از جزئیات راجع بنظر خود وزارت جنگ است چیزی که اینجا نوشته است یا از تمام این معنی این میشود که ما اینجا وقتی کرای بدهیم تمام این را رأی داده ایم سر باز نمیدهند از طرف دولت سر باز گرفته میشود این را مطابق مواد ذیل مینویسند چون اگر اینطور ننویسند مثل این است که تمام این را تصدیق کرده اند .

پهجت - در موقع شور کلیات بنده در اجباری نشود و آن ترتیبات که از کجا گرفته می شود و نمی شود آن بنده معمولی ندیم همان که بوده است و وزارت جنگ آن را حفظ میکند و اما اینکه فرمودید که بعضی جاها میروند سر باز می گیرند که بیشتر سر باز نداشته است این را تکذیب میکنم مگر در بعضی جاها اینکه تخفیف داشته اند بکم وزیر و سر کرده خودشان در آنجا قدری تعرض میشود بلکه از آن تخفیف از پنج نفر دوفر گرفته شود این يك صرفه است برای دولت که وزارت جنگ ملاحظه میکند و آن ولایتیک هیچ سر باز ندارد مثل بزد آن دلیلی ندارد که بنده سر باز نداشته باشند آنها باید بنده سر باز داشته باشد و سر باز بدهند .

حاج سید ابراهیم - بنده در همین ماده عرضم این بود که این ایلات بعضیها هستند که خاک نشین شده اند و این قانون که تصویب شد از آنها هم گرفته میشود چون حال ایلات دو قسم است بعضیها بواسطه دارائی علاقها خانه و یا بجزیدن زراعت ساکن شده اند و در همان اداره ایل قشائی هستند و مالیات آنها هم جز قشائی است و احکامشان هم با قشائی است و مثلا سر باز هم نمیدهند ولی بعضیها شان هستند که سردسیر و گرمسیر میکنند و خانه بدوش است و علاقه ندارد و حالا آن ایلاتی که نوشته است از کلبه ایلاتی که سر باز بده نیستند آیا شامل آن خاکی نشینها هم میشود یا خیر عقیده بنده این است که از آنها هم که خاک نشین هستند سوار گرفته نشود سر باز گرفته شود و از آنها هم که بالبلت باقی هستند و سر باز مثلا نمیدهند سوار گرفته شود و الا اگر بگوئیم از کلبه ایلات موارد نقص از این قسم جاها پیدا میشود و اگر این قانون را کلبه بدانی و بگوئیم کلبه ایلات این علت را پیدا میکند بنده در طرف جنوب که اطلاع دارم ثلث آن ایلات خاکی هستند اگر این را تعمیم بدهیم شامل حال آنها هم میشود جهة ندارد و اگر هم تخصیص بدهیم جهة ندارد که بگوئیم آنها هم که سردسیر و گرمسیر میکنند سوار بدهند آنها هم جزء این عنوان هستند ولیکن خاک نشین هستند این نکاتی را که عرض کردم برای این است که در کمیسیون این ملاحظات را بکنند که در شورائی اینمذاکرات دیگر نشود اینکه خیلی مذاکرات میکنند از شوق خودشان است که این زود بگذرد ولی از آقای مخبر استعدا میکنم اگر حالا جواب ندارند در نظر بگیرند که برای شور دوم جواب بدهند .

وزیر جنگ - اینطور نیست که تصور فرمودند چون در آذربایجان خیلی ایل هست گذشته از تخت قاپو باز ایلاتی هست که سردسیر و گرمسیر میکنند و سوار میدهند مثل اینکه میداند آقایان نمایندگان آذربایجان که از فوج هتم شاقی که به بیلاق میروند و قشلاق میروند فوج اردبیل که در سراب گرم رود هستند که بنده خودم سالها سر کرده آنها بودم در آنجاها دارند بعضی ایلاتی که بیلاق و قشلاق میکنند

وسر باز می دهند پس باید در موقع خودش این حرفها گفته شود و آنها را هم باید در موقع خودشان تصحیح کرد .

آقا شیخ اسدالله - بنده می خواهم عرض کنم که این استثنائات از کلبه ایلاتی که هستند چه سوار میدادند چه نمیدادند مطابق این قانون باید هم موافقت داد و از همه سوار گرفت .

آقامیرزا ابراهیم قمی - قانون باید بطور کلی وضع شود بنده عرض میکنم از آن روزی که این لایحه از مجلس بگذرد سوار را باید از کلبه ایلات گرفت و این لفظ سر باز بده لازم نیست .

حاج سید ابراهیم - عرض بنده گفته شد چون آقای مخبر و آقای وزیر جنگ جوابی ندادند اگر ایشان قانع نشدند بنده عرض کنم و الا عرضی ندارم .

لواءالدوله - چطور می شود که از يك ایل که سر باز می دهند سوار باید گرفت این تحمل کلی است چون از دفتر مالیه اطلاع ندارید و نمی دانید که چند ایل سر باز بده هستند و چند ایل سر باز بده نیستند وزارت جنگ چون اطلاع داشت قانونی پیشنهاد کرده است که آنها هم سر باز بده نیستند از آنها سوار بگیرند و آنکھی خود وزارت جنگ بهتر جزئیات را می دانند و این حا که قانون وضع می شود فقط باید ملاحظه کنیم که از سی خانوار يك نفر سوار بگیریم و تحمل دیگری نشود بجز این حقی نداریم حالا آن سوار که می خواهد سوار شود گهواره او را یا رو بجنوب بگذاریم یا رو بشمال این از وظیفه ما خارج است این که باین ماده رجوع ندارد این جزئیات است .

مهرزاد الملک - این جا دو مسئله گفته شد گر چه قدری از آنرا آقای وزیر جنگ و آقای مخبر جواب دادند لکن قدری هم جواب داده نشد مخصوصاً عقیده بنده این است که به همین طوریکه این ماده این جا نوشته شده است باید نوشته شود و این که گفته شد چرا استثنا کرده اند ایلاتی که سر باز بده هستند و باید از کلبه ایلات سوار گرفت این را بنده مخالفم بواسطه اینکه بعضی ایلات هستند که هم اسم ایل بر آنها اطلاق می شود هم سر باز می دهند پس همینکه این رأی کلی را دادید تبعیض می شود یعنی يك ایل سر باز و سوار هر دورا بدهند و بعضی سوار تنها باید بدهند آتوقت بنده می گویم انصاف نیست که بر يك ایل يك تحمل بکنید و بر يك ایل دو تحمل بکنید و شاید همینکه ایلات ماشوق دارند برای خدمت هر چه تحمل است بر آنها بشود بلی این هیچ جای شك نیست که ایلات ما شوق دارند ولی چیزی که هست خود این يك تحمل فوق العاده است برای این که خود این ایل از قدیم يك تفراری داشتند و سر باز می دادند آتوقت باز بیایند علاوه بر آن سر باز می دادند يك تحمل دیگری هم بر آنها بنمایند که مطابق این قانون سوار بدهند و آن تفراری که از قدیم معمول بوده است باید همان طور معمول باشد سر باز هم بدهند این دو تحمل شده است و این سوار نیست بعقیده بنده

آنها تادقتی که سر باز می دهند سر باز خودشان را بدهند وقتی که سر باز ندادند آتوقت سوار بدهند حالا می فرمایند که بعضی ایلات هستند که سر باز نمی دهند و این اسم هست این اشکالی ندارد آن وقت مطابق همین قانون آنها هم سر باز نمی دهند باید سوار بدهند و دیگر آقای حاج سید ابراهیم فرمایشی راجع بباک نشین و چادر نشین و بالاخره عقیده ایشان این بود که فقط ایلات چادر نشین سوار بدهند خاک نشین ندهند در تمام ایلات همین طور است يك مقداری از ایلات زمین خریده اند و دارائی و علاقه پیدا کرده اند و خاک می شده اند و همین طور يك مقداری در حرکت هستند اگر ما بگوئیم بطوری که فرمودند ایلاتی که خاک نشین هستند سوار بدهند آن وقت فوری نصف میکنیم عده سوار خودمان را یعنی شما اگر تصور بفرمائید که چهار صد هزار خانوار ایل دارید آتوقت باید نصف کنید بگوئید از دو صد هزار خانوار سوار بگیریم و من تصور نمیکنم آن وقت آن مقدار سوار که از دو صد هزار خانوار مثلا گرفته میشود و نباید آقایان تصور بفرمایند که این لایحه که نوشته شده همه اش يك چیز بی اساسی بوده بکلی يك چیز بی اساسی نبوده است يك قدری هم احتیاجات مملکت در نظر بوده است اگر مطابق این ماده از ایلات چه چادر نشین و چه خاک نشین سوار گرفتید آتوقت ممکن است تا پنج سال شش سال دیگر شما تقریباً بیست هزار سوار داشته باشید و این بیست هزار سوار تا يك کدرجه کفایت نظامی مملکت شمارا میکند و اما آتوریکه شما فرمودید که ما فقط از چادر نشینها سوار بگیریم بعد از بیست سال اگر ده هزار سوار داشته باشید و با وسعت مملکت ایران این ده هزار سوار خیلی مشکل است که رفع احتیاجات را بکنند بنده عرض می کنم از فلان ایل هم از اینکه چادر نشین یا خاک هر کجا می خواهند بنشینند باید عموم باین قانون شریک باشند .

وزیر جنگ - بنده اولاً تأیید می کنم فرمایشات نماینده محترم را که حقیقه با کمال اطلاع فرمودند و در مسئله ای که آقای حاج سید ابراهیم فرمودند عرض می کنم که این مسئله تبعیض را تولید نمیکند زیرا فرق نمی کند همان مامله که با آن خانوارهایی که در فلان نقطه بیلاق یا فلان نقطه قشلاق میشود همان مامله با آنها میشود که خانه بدوش هستند بيك ایلی نمی توانیم بگوئیم که نصف سوار بدهیم و نصف دیگر سر باز ندهیم این مسلماً نمی شود باید تعمیم بدهیم که از تمام ایلات یعنی آنکه در تحت این ماده وارد است که در جزء قشقای شمرده میشود یا در جزء ایل عرب هست یا در تحت ایل آذربایجان شمرده می شود آنها را باید گفت که از سی خانوار يك نفر سوار باید بدهند و در اینجا يك نکت دیگری هست آنها هم که در خاک می نشینند یعنی خاک نشین معروفند و خیلی شایق هستند در خدمت باشند که اسباب اطینان آنها هم که گرمسیر میروند باشند این ها خیلی نکات عمیقی دارد که باید عمقاً ملاحظه کرد .

آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده که عرض کردم بکلبه ایلات این بود که آنها هم سر باز بدهند و سر باز بده هستند باید همه ایلات کلبه سوار بدهند .

کردم بکلبه ایلات این بود که آنها هم سر باز بدهند و سر باز بده هستند باید همه ایلات کلبه سوار بدهند .

وزیر جنگ - این کمی گویند سر باز بدهند و سوار هم بدهند این نمی شود عرض کردم یکی این است که امروز بیست سال است سر باز میدهد این را دیگر نمی شود گفت که سر باز ندهند سوار بدهند و بنده تصور می کنم این يك دوره یا دو دوره است که هر دوره سه سال است و شش سال که بگذرد البته موفق می شویم بيك ترتیب خیلی صحیحی ولی باین زودی چون نمیتوانیم آن ترتیب را اخذ کنیم و محتاج هستیم بيك عده سوادری و محتاج هستیم باینکه جلب قلب ایلات را بکنیم و ایلات را بسرخدمت بیاوریم که ببینند آنها هم که امروزه جلب شده اند و جمع شده اند سر باز کرد اند ما موریت رفته اند چقدر آگاه شده اند این است که این لایحه را پیشنهاد کرده ایم و اما اینکه سر باز را اخراج کنیم آن بنده را بیندازیم دور اینکه نمی شود او را دور بیندازیم .

حاج سید ابراهیم - مقصود بنده این بود که خاک نشین مجزا باشد یعنی از خاک نشین سوار نگیرند این بود مقصود بنده .

معمین الرعايا - بنده در کلبه این لایحه اشکال داشتم اجازه هم خواستم نوبت بنده نرسید اگر اجازه بفرمائید عرض کنم زیرا آن اشکالی که در کلبه دارم تارفع اشکال از بنده نشود نمی توانم در مواد رأی بدهم .

رئیس بموجب نظامنامه حضرت تعالی میتواند چیزی را که بنظر تان میرسد تذکره پیشنهاد بکسیسیون بفرمائید یعنی کسانی که نظریاتی دارند تارای سومی که گرفته نشده نظریات خودشان را میتوانند بنویسند و بکسیسیون پیشنهاد کنند در آن موقع می توانند این استفاده را بکنند .

معاذ الملک - اینجا حضرت وزیر جنگ فرمودند از اشخاصی که در تحت اطلاع ایلات هستند از هر سی خانوار آنها يك نفر سوار گرفته می شود چون هستند طوایفی که آنها را ایل نمیگویند در صورتیکه مثل ایل دارای جمعیت و خانوار زیاد هستند مثل طایفه سنجائی و کردان و غیره و در حقیقت میشود گفت که ایل هستند لکن اسم ایل با آنها اطلاق نمیشود در اغلب جاها جمعیت خاک نشینی هستند که طایفه هستند و خیلی شایسته خدمت هم هستند از این جهت عقیده بنده این است که اینجا نوشته شود از کلبه ایلات و طوایف هر گاه تصویب میکنند نوشته شود .

وزیر جنگ - صحیح است از ایلات و طوایف نوشته شود .

آقامیرزا یانسی - بنده البته عقیده دارم بر اینکه اهالی يك مملکت باید بقوه قاهره حقوق آن مملکت را محفوظ بدارند حالا بنده بيك ترتیبی می گویم که باید این حقوق را بقوه

فهریه محافظت نمایند و آقایان يك ترتيب ديگر حالا آن جای خود باشد بنده رأی دادم که ایلات باید سوار بدهند و ایلات باید در خدمت نظامی داخل باشند و هر جور زحمتی و مشقتی که از آنها خواسته شود بجهت محافظت وطن خودشان باید متحمل بشوند ولی بنده بعد از این چندماه مشروطیت که در ایران بوده است منتظر بودم که از وزیر جنگ دولت مشروطه يك رفورم عمومی بجهت سرباز و سوار مملکت وارد مجلس بشود نه يك رفورم خصوصی یا پیشنهادی برای سوار از ایلات بمجلس بیاید و فقط بجهت ایلات باشد بنده نمی دانم چرا عوض اینکه يك مسئله عمومی برای گرفتن سوار و سرباز از تمام اهالی برای يك نظام مفصلی وارد مجلس شود که مادر آن مذاکره بکنیم فقط يك پیشنهاد خیلی مختصری بجهت گرفتن سوار از ایلات شده است دلیلش همان است که عرض کردم و خیلی تحسین میکنم فرمایش آقای معاضد الملک را که بنده می خواستم پیشنهاد کنم که این کلمه را در آنجا بنویسند که از ایلات و طوایف و بنده چون نماینده یکی از طوایف که در این مملکت هستند نه سرباز می دهند نه سوار این دلیلش چه چیز است که ملتی بروند خون بریزند و ملت دیگری راحت باشند در يك مملکت که ملل متنوعه یا ملتی که سوار و سرباز نمی دهند آنها از نعمتهای این مملکت استفاده بکنند و در زحماتشان هیچ استفاده نکنند بنده تقاضا می کنم از مجلس مقدس که از این طایفه ارمانه هم داخل کنند که از ملل متنوعه سرباز و سوار هم گرفته شود.

رئیس - این را باید بطور پیشنهاد علیحده بمجلس تقدیم کرد در این ماده خوب بود مذاکره می فرمودید.

آقا میرزا یانسی - این پیشنهاد از آقای معاضد الملک شد و مجلس قبول کرد بعدای صحیح است عمومی بنده هم داخل آن پیشنهاد هستم.

رئیس - اما آن پیشنهاد نمی شود پیشنهاد آن است که نسبتاً بنویسند و بنده بخوانم و در مجلس قابل توجه شود و حضرت تعالی اظهار اجمال ایشان را تأیید فرمودید و این دلیل نمی شود پیشنهاد باید نوشته شود بخوانیم و رأی بگیریم.

آقا محمد پروچردی - بنظر بنده يك ماده مهمی بوده است که کمیسیون غفلت کرده است و آن اینست که این سوار قبل از تعداد نفوس گرفته می شود یا بعد از تعداد نفوس این باید بعد از تعداد نفوس گرفته شود و غرض اینست از این سی خانوار يك سوار را بطور اجباری بگیرند یا اینکه از بزرگ ایل و طوایف باین معنی که طایفه ای که سی هزار سوار یا خانوار هستند باید سه هزار سوار بدهند يك دفعه این است يك دفعه دیگر این است که آن رئیس طایفه او از خودش و از نوکرهای خودش آن سوار را می دهد یا بعنوان داوطلبی بعقد بنده این خیلی تفاوت میکند این را خوبست تعرض نمایند و مذاکره فرمایند.

حاج سید ابراهیم - گویا مذاکره کافی باشد زیرا شور اول است.

بجهت - اینکه آقای معاضد الملک فرمودند که از طوایف هم گرفته می شود بنده هم استدعا میکنم که از عشیره هم بگیرند زیرا يك جمعی هم هستند که آنها را عشیره می گویند بلفظ که نمی شود تفکیک کرد بسا هست که چادر نشینند و آنها را طایفه می نامند پس بایستی دولت ایران که قانون وضع می کند برای نظام شامل تمام افراد آنها باشد و این قانونی که وضع می شود ترتیب صحیحی ندارد مثلاً در خاک نشین بترتیب پنجه معمول می شود بچه جهه است که از عربستان هیچ سرباز گرفته نمی شود و همین طور سایر شهرها بترتیب مناسبی و ترتیب متساوی باید گرفته شود و در تمام ایران از ایلات که چادر نشین و حشم نشین باشند این سوار گرفته شود و باین قسم که ملاحظه میشود این لایحه خواهد گذشت و باعث اشکال می شود این خوب است که در تحت يك قانون مشترك جامعی باشد که از سی خانوار يك نفر سوار بدهند و چنانچه این طور شد يك عده از ایلات هستند که سرباز بده هستند لابد از این قدری اطلاق می شود بآنها و آنها استثنا می شوند و امروز اگر خواسته باشیم از تمام رعایای ایران سرباز پنجه بگیریم دوست هزار هم بیشتر می شود باین واسطه بنده تقاضا میکنم لفظ که سرباز بده نباشد حذف بشود و ما آن سرباز بگیری قدیمی را هنوز معمول نداشته ایم که ده خانه يك سرباز بدهند و الان هیچ ترتیب صحیحی نیست در سرباز گیری هم جانی هم هست که سرباز بده نیست می گویند مالیات میدهد در هر حال ما باید این قانون را يك طوری بنویسیم که کلیت پیدا بکند باین واسطه بنده تقاضا می کنم که این قانونی که از مجلس می گذرد يك استثنای غیر قانونی با و نشود در بعضی جاها که يك ترتیب قانونی جریان پیدا کند و مطابق طبایع تمام افراد مملکت باشد و اما اینکه آقای آقا میرزا یانسی فرمودند که از طایفه مسیحی هم فسون گرفته شود در آذربایجان که از آنها سرباز می گیرند.

آقا سید حسن مدرس - از اول مجلس تاحال سه مرتبه بنده اذن گرفته ام نمیدانم بچه جهه ممکن نشد لذا عذر می خواهم که باید همه اش را بگیریم و او این است که از اول تاحال که مذاکره فرمودند در نظام و آقای وزیر جنگ هم فرمودند می خواهم عرض کنم مذهب رسمی شما در این خصوص حکم میدهد ببینید حکمش چه چیز است امروز اگر چه تماشاچی خیلی است لکن باید بگیریم امروز مملکت ایران محتاج بقوه دافعه است مقدمتر از هر چیزی و بر هر نفس واجب است که حفظ مملکت و نفوس اسلام را بفرمایند چه مثل من که عمامه سرم است و از اول عمرم تاحال در مدرسه بوده ام هر کس که هر قوه ای دارد واجب است بر او که آن قوه را در نگاهداری مملکت اسلامی در وقت خودش بترتیبی که امر و رؤسای مملکت تصویب میکنند بکار ببرد و مدافعه بکند اسب دار سوار بدهد اسب ندارد سرباز بدهد پیاده بدهد این لفظ خانه و طایفه را نفهمیدم که در تحت چه قانونی است و می گویند که

طایفه هم جزو ایلات است و خانه نشین هم جزو ایلات است آقای حاج سید ابراهیم اشاره کردند بجمعی که جزو قشقائی هستند و توی دهنشسته اند رعیتی میکنند بزوگوسفند دارند آنها سوار بدهند بچه مناسب است آنها سوار ندارند چطور سوار بدهند این معنی این است که می رود و بر میگردد آل ای رجم چون آنها غالباً اسب دارند اینست که می گویند باید سوار بدهند آنها را که اسب ندارند سرباز بدهند خواه رعیت قشقائی باشد خواه بختیاری باشد این اصل مطلب است ولی تکلیف چون کردن همه است که باید ادای وظیفه کنند هر کس هر قسم بتواند باید تمام ترتیب وظیفه خود را ادا کند حالا دیگر بسته است بنظر وزارت جنگ و اما اینکه فرمودند طوایف عیسوی هم سرباز بدهند ابد اهل ذمه نباید سرباز بدهند آنها باید پول بدهند ما سرباز تکلیف نفس ابقار کردن مال به مسلمانان است آنها پول بدهند و مسلمانان بدهند برای حفظ آنها که در حمایت اسلام هستند ابد ما تجویز نمی کنیم که از غیر مسلمین سرباز گرفته شود یعنی این تکلیف دینی به مسلمین تعلق بگیرد تکلیف اسلام بر غیر اهل اسلام تعلق نمی گیرد.

رئیس - خوب بود در این ماده مذاکره می فرمودید.

آقا سید حسن مدرس - بنده هم که در این ماده مذاکره کردم [در این موقع پیشنهادی بمضمون ذیل از طرف آقای بهجت قرائت شد]:

بنده پیشنهاد می کنم که در ماده اول آن جمله که سرباز بده نمی باشند حذف شود.

رئیس - حالا نمی توانیم در این ماده رأی بگیریم زیرا عده کافی نیست و وقت هم گذشته مذاکره را می کنیم چون مجلس خصوصی باید بشود و پیشنهادها هم می رود بکمیسیون.

معزز الملک - چون فرمودند که این پیشنهادها می رود به کمیسیون در اینجا کمیسیون نظام يك ترتیبی دارد و آن این است که اول باید در قابل توجه بودن این پیشنهادها رأی گرفت این برای چه چیز است برای این است که کمیسیون بداند نظر مجلس چه چیز است و این پیشنهاد برای این است که تقریباً کمیسیون نظام يك اصلاحاتی بکنند و بر گردن سرباز کمیسیون نظام می تواند بگیریم رأی ندارند به تغییر این مواد بجهت اینکه بنظر ما این موادی که نوشته شده است بهترین مواد است و شاید علتی داشته باشد که نمی توان بگیریم و مخبر محترم هم گویا در موقعی که این لایحه مطرح مذاکره شد تشریف نداشتند که خوب دفاع بکنند تا وقتیکه در قابل توجه بودن این پیشنهادها رأی گرفته نشود نمی توان رجوع بکمیسیون کرد.

لواء الدوله - مخبر مجبور نیست که در همه جا دفاع کند بنده در خصوص آن سی خانوار در کمیسیون رأی ندادم و این جام عرض می کنم که کمیسیون رأی داد ولی بنده رأی ندادم لازم نیست که در هر مورد دفاع کنم - در این موقع دو فقره پیشنهاد از طرف آقا میرزا یانسی و حاج عز الملک قریب باین مضمون قرائت شد: بنده پیشنهاد می کنم که از کلیه ایلات و طوایف و ملل متنوعه سوار گرفته شود (یانسی)

بنده هم پیشنهادی می کنم که همانطوریکه آقای معاضدالملک پیشنهاد نمودند طوایف هم جزو شود

رئیس - وقتیکه بنده اجازه نطق می دهم اعتراض می کنند که چرا اجازه دادید بجهت اینکه نظام نامه اجازه ندهد وقتیکه عده کافی نیست اجازه داده شود مذاکره ماده رابع تمام نمی کنیم ویراوقت نیست بقیه این مذاکره می ماند برای جلسه آتی

دستور جلسه آتی هم - قانون دیوان محاسبات - عمومی - رایورت کمیسیون عدلیه راجع به قبول و نکول پروات .

معززالملک - کلبه چنانکه چندین مرتبه در این جا گفته شده است که ما باید یک سیستمی را اتخاذ کنیم برای دستور امروز مثلاً این ایجه را جزء دستور کردیم و دیوان محاسبات وقتیکه این را آوردیم یک قدری شور کردیم می گذاریم و آنوقت یک قدری هم از آن یکی مذاکره می کنیم این هیچ صحیح نیست و کاری هم از پیش نمی رود بقیه بنده این لایحه را تا از شور اول او فارغ نشویم و دیوان محاسبات را تمام نکنیم نمی توانیم برویم سرچیز دیگر خوب است اگر رئیس تصویب فرمایند و مجلس شورای ملی هم تصویب فرماید همین دو مسئله را در دستور بگذارند و این دو مطلب کاملاً وقت مجلس را کفایت میکند و محتاج به مذاکره دیگر نخواهیم بود .

مقیم السلطنه - نظر آقای معززالملک بسیار صحیح است و یک نکته هم هست که آقایان زود فراموش میکنند مطلبی که در دستور گذاشته میشود نه برای این است که دستور سابقه از میان میرود چیزیکه تازه در دستور گذاشته میشود معنی آن این است که آن در دستور خواهد بود تا وقتی که تمام شود آنوقت سایر چیزها در دستور گذاشته میشود و آقای معززالملک تقاضا کرد دو چیز را جزء دستور بگذارند بنده هم این تقاضا را میکنم که اول این دو مطلب جزء دستور باشد تا نگذرد مطلبی دیگر مذاکره نشود .

رئیس - این چیزی را که در خصوص دستور فرمودند بنده هم تصدیق می کنم که یک ترتیب صحیحی نیست و حالا مشغولیم در هیئت رئیسه که تمام لوائح و طرحهایی که در هیئت رئیسه است آنها را طبع و توزیع بکنیم و بعد یک ترتیب دستوری قرار خواهیم داد که از یک هفته پیش آقایان و کلاه بدانند که دستور این هفته چه میشود وقتیکه این اسبابش فراهم شد بمرض آقایان میرسانم .

افتخار الواعظین - بنده بجهتیکه نمیخواهم مفصلاً عرض کنم و خاطر اغلب نمایندگان مسبوق است بنده از طرف کمیسیون داخله تقاضا میکنم که آن چهار ماده که در منع احتکار از کمیسیون گذشته است و طبع و توزیع هم شده است و خود رئیس هم شاید تصدیق بکنند که گذشتن آن خیلی مفید خواهد بود این است که بنده تقاضا میکنم که آن چند ماده جزء دستور گذاشته شود آن قانون برای امروزه مملکت خیلی مفید خواهد بود .

آقاشیخ علی شیرازی - انتخاب یک نفر یا

دو نفر از برای بردن لوحه برای نجف اشرف جزء دستور بود حالا نمیدانم هست یا نیست .

رئیس - بلی امروز هم جزء دستور بود و هست .

کاشف - بنده تقاضا میکنم از مجلس مقدس که یک هیئتی را انتخاب کنند یا کتباً یک چیزی نوشته شود بوالاحضرت آقای نایب السلطنه در خصوص تکمیل عده وزراء چون مدتی است بعضی سئوالات و استیضاحات شده است علاوه بر این بعضی مکاتبات که از خارج میرسد ما باید لابد با وزراء طرف باشیم وزیر داخله نداریم وزیر مالیه نداریم سایر وزراء هم شاید بوظیفه خودشان عمل نمیکند غیر از آقای وزیر جنگ که همه روزه حاضر هستند از این جهت استدعا میکنم که از طرف مجلس اقدامی شود در این باب .

رئیس - خواهش میکنم هر و کبلی که می خواهد خارج از موضوع صحبت نماید از هیئت یار رئیس کتباً اجازه بخواهند مذاکره در باب دستور بود .

کاشف - رأی دادند که صحبت خارج از موضوع در آخر بشود .

رئیس - اما نظامنامه را بنده نمیتوانم بیک رأی بهم بزنم .

معاضدالملک - اعتراضاتیکه بدستور شد تقریباً همان فرمایشاتی بود که آقای رئیس دستور قرار دادند رایورت کمیسیون نظام و قانون دیوان محاسبات تقاضا شد جزء اون دستور گذاشته شود و در جلسه گذشته اگر نظر آقایان باشد بنده تقاضا کردم که آن ماده که از قانون محاسبات عمومی مدتی است به کمیسیون تفسیر رفته است جزء دستور شود و مجلس بیا بدرای گرفته شود که قانون محاسبات عمومی بگذرد و فقط همین یک ماده اضافه شده است .

رئیس - پس آقا کتباً تقاضا فرمائید که تا ترتیب داده شود .

فهم الملک - بنده هم تأیید می کنم فرمایش آقای معاضدالملک را و مطابق آن شرحیکه بیان فرمودند عرض میکنم قانون محاسبات عمومی مقدم است بر سایر مطالب و اگر آن یک ماده بگذرد آن قانون بکلی ختم میشود و یک قانونی از مجلس می گذرد .

رئیس - ده دقیقه تنفس است - بعد جلسه خصوصی میشود .

(مجلس نیم ساعت از شب گذشته خصوصی گردید.)

جلسه ۲۱۰

صورت مشروح مذاکرات روز سه شنبه ۱۴ شهر صفر المظفر ۱۳۲۹

مجلس بدو خصوصی و یک ساعت قبل از فروب آفتاب بریاست آقای ممتازالدوله علنا تشکیل شد .

صورت مجلس روز شنبه را آقای معاضدالملک قرائت نمود .

غائبین جلسه قبل - آقا میرزا علی اکبر خان دهخدا بی اجازه - حاج شیخ رئیس - معتمدالتجار دکتر اسمعیل خان - سپهदार اعظم - سردار اسعد در موقع مقرر حاضر نشده اند . لسان الحکماء مریض بودند .

رئیس - ملاحظه در صورت مجلس هست؟

ادیب التجار - همین تقاضایی که آقای افتخار الواعظین در باب رایورت قانون منع احتکار کردند که در دستور گذاشته شود در صورتیکه مخالفی نداشت چرا نباید جزء دستور گذاشته باشند .

رئیس - جزء دستور گذاشته شده است ولی جزء دستور امروز نیست .

حاج شیخ الرئیس - در جلسه سابقه بملاحظه دعوتیکه از طرف مدرسه سن لوئی شده بود منحصراً برای آنکه بدانم تحصیلات محصلین عربی آنجا چه طور است و چه طور ترقی کرده اند برای پاره مناسبات لازم دانستم بروم و برای اینکه وقت مجلس تأخیر نشود مخصوصاً اخطار کردم بوسط اداره محترم مباشرت بهیئت محترم رئیسه معذک گمان نمیکم در غیر وقت شرفیاب شده باشم [چون دیگر مذاکراتی نشد رئیس صورت مجلس را امضاء نمود]

رئیس - این تلگرافی است که از جناب آقاشیخ هادی رسیده است بمرض و کلای محترم میرسد (بمضمون ذیل قرائت شد) - تلگراف از مشهد بطهران .

توسط نمایندگان خراسان مجلس مقدس تلگراف آقای آقاشیخ هادی را رسانده جوابی که رسیده عیناً درج می شود - توسط انجمن ایالتی سیدالله اساسه مقام منیع مجلس مقدس شورای ملی سیدالله ارکانه تلگراف مبارک که مبنی بر انتصاب داعی سعادت عضویت مجلس مقدس بوده زیارت نمودند تشکرات صمیمانه خود را از حسن ظن و کلاه ملت باین بنده بی بضاعت با کمال افتخار تقدیم می نماید و جواباً بمرض میدارد عجاله بملاحظه سردی هوا ضعف چشم که مخصوصاً در این زمستانی عارض شده با کمال تأسف خود را از مسامت به نیل این سعادت معذور می بیند و امیدوار است که بعد از نوروز با مساعدت مشیت ربانی جلت آلاؤه و احماد هیجانی که اهالی را از حرکت داعی حاصل است حسن ظن و کلاه عظام را بحسن استقبال تلقی نموده انشاءالله تعالی بجهود خود را در اداء حقوق گرانبهای مات و اسلامیت که همواره منظور نظر داشته و باندازه اقتضای وقت و مکان در اینجا نیز تجافی نداشته در آن مقام مقدس بشرکت و استظهار و مساعدت و کلاه عظام مبذول دارد معذم هادی ۲۹۹ انجمن ایالتی خراسان ذبیح الله

رئیس - قبل از آنکه داخل در دستور جلسه بشویم چند فقره سئوالی بود که از وزرای محترم شده است خوب است آن سئوالات را و کلاه بکنند بعد داخل دستور شویم که وزراء معطل نمایند - آقای ادیب التجار سئوالی در باب نان داشتید فرمائید .

ادیب التجار - مسئله نان که یکی از بظایف مختصه قوه مجریه است و بهیچ وجه ربطی بقوه مقننه و مجلس ندارد سال گذشته از بابت بی احتیاطی اولیای امور آنوقت یعنی اولیای امور اجراییه آن وقت دچار زحمات و مشکلات شدیم لذا مجلس شورای ملی علاوه بر آنکه این را از وظایف قوه مجریه می دانست معیناً محض تأکید در آسودگی